

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

علوم و معارف قرآنی (۱)

علوم انسانی و معارف اسلامی

راهنمای معلم

پایه دهم

دوره دوم متوسطه



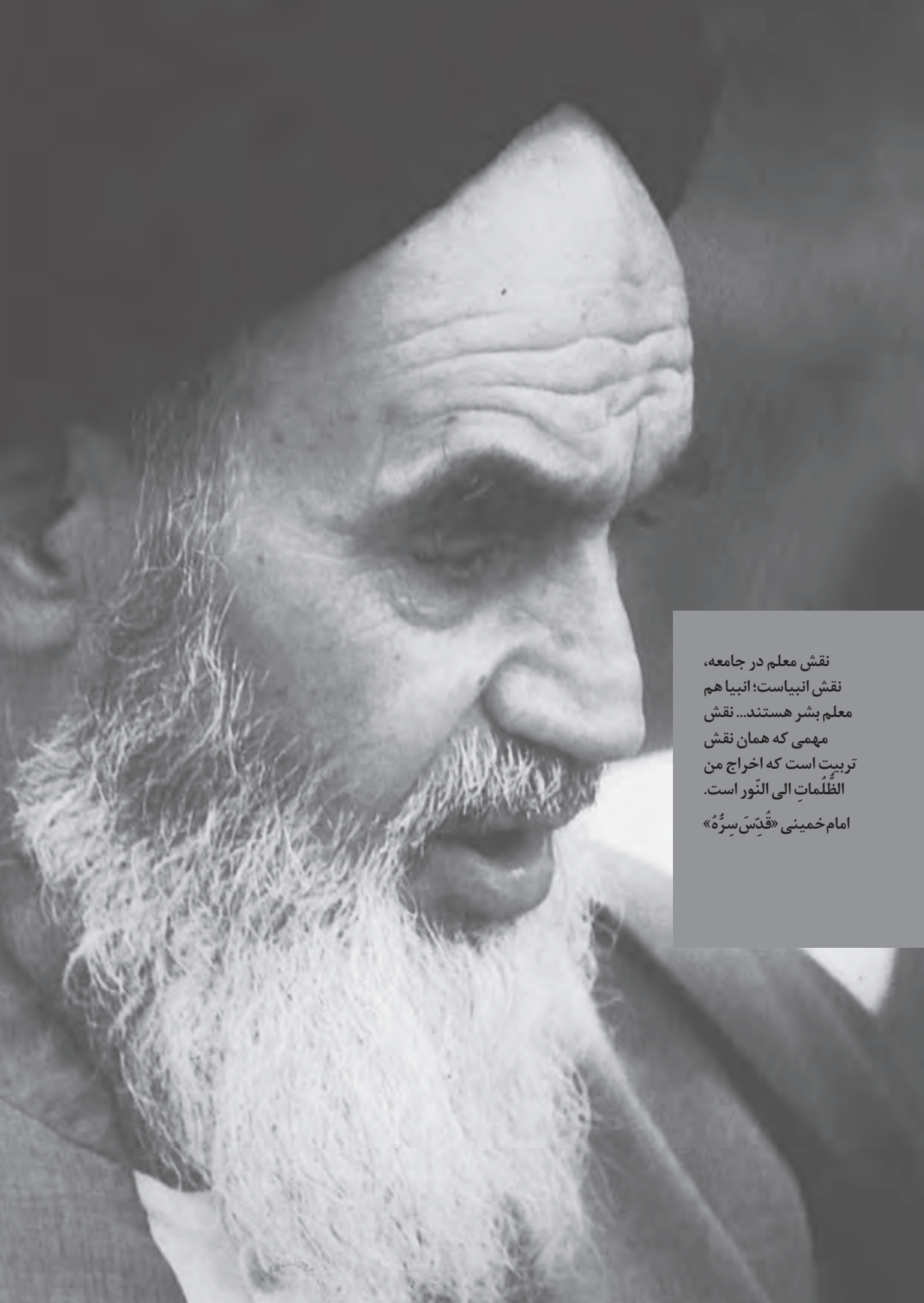


وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: راهنمای معلم علوم و معارف قرآنی (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۳۸۹
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: سیدمهدی سیف و رضا نباتی (تجوید)؛ سیدسجاد طباطبایی‌نژاد (علوم قرآنی) (اعضای گروه تألیف) - محمدکاظم بهنیا (ویراستار)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - شهرزاد قنبری (صفحه‌آرا) - فاطمه باقری‌مهر، شهلا دالایی، آذر روستایی فیروزآباد، زینت بهشتی شیرازی و حمید ثابت کلاچاهی (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایران‌شهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۴۰۱

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۵۲۹-۵

ISBN: 978-964-05-3529-5



نقش معلم در جامعه،
نقش انبیاست؛ انبیا هم
معلم بشر هستند... نقش
مهمی که همان نقش
تربیت است که اخراج من
الظلماتِ الى النور است.
امام خمینی «قَدَسَ سِرُّهُ»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

بخش اول: قرائت و فصاحت

فصل اول: کلیات روش تدریس قرائت و فصاحت	۲
مقدمه	۲
فصل دوم: راهنمای تدریس قرائت و فصاحت به تفکیک دروس	۱۱
درس ۱: قرائت زیبای قرآن	۱۱
درس ۲ و ۳: تلفظ حروف خاص	۱۳
درس ۴: قواعد نون ساکن	۳۴
درس ۵: فصاحت لفظ جلاله «اَللّٰهُ»	۳۴
درس ۶: موارد تفخیم حرف «راء»	۳۵
درس ۷ و ۸: وقف بر جمله	۳۶
درس ۹: فصاحت حرکات	۴۱
درس ۱۰: فصاحت الف مدّی	۴۳
درس ۱۱: قلقله	۴۴

بخش دوم: علوم و معارف قرآنی

فصل اول: کلیات تدریس بخش علوم و معارف قرآنی	۴۸
مقدمه	۴۸
فصل دوم: راهنمای تدریس درس به درس بخش علوم و معارف قرآنی پایه دهم	۵۱
درس ۱: صفات قرآن	۵۳
درس ۲: قرآن در کلام امیر (علیه السلام)	۵۵
درس ۳: نزول قرآن	۶۰
درس ۴: اسباب النزول	۶۲
درس ۵: مکی و مدنی	۶۴
درس ۶: کتابت قرآن	۶۶
درس ۷: زبان قرآن	۶۷
درس ۸: قابل فهم بودن قرآن	۶۹
درس ۹: انس با قرآن کریم	۷۱
درس ۱۰: زبان هدایتی قرآن (۱)	۷۳
درس ۱۱: زبان هدایتی قرآن (۲)	۷۵
درس ۱۲: تفسیر قرآن	۷۷

سخنی بادبیران ارجمند

آگاهی یافتن از اهداف برنامه درسی، یاری رساننده دیر در رسیدن به اهداف آموزشی است. معلمی که پیش از تدریس، کتاب راهنمای معلم را مطالعه می کند، در تدریس موفق تر از معلمی است که بدون بررسی این کتاب، شروع به تدریس می کند.

برنامه ریزان و مؤلفان کتاب درسی تلاش می کنند تا رویکرد تألیف کتاب نونگاشت و نیز روش های تدریس مورد انتظار برنامه درسی را تبیین کنند، اما گاهی نتایج ارزش یابی از برنامه های درسی، نشان دهنده فاصله میان برنامه قصد شده و برنامه اجرا شده است. یکی از اموری که در این باره می تواند تا حدودی مشکلات را حل کند، «کتاب راهنمای معلم» است.

دبیران با مطالعه راهنمای معلم، هم می توانند با هدف اصلی درس، به خوبی آشنا شوند، هم سمت و سو و هدف فعالیت های داخل درس را به خوبی درک کنند و هم نکات تکمیلی درخصوص آن درس را فراگیرند؛ نکاتی که می تواند در آموزش هرچه بهتر و یادگیری مناسب دانش آموزان نقش مثبتی ایفا کند.

به امید موفقیت همه شما دبیران در امر آموزش کتاب علوم و معارف قرآنی

بخش اوّل

قرائت و فصاحت

کلیات روش تدریس قرائت و فصاحت

مقدمه

■ لزوم بازنگری و بازسازی آموزش قرآن

قرآن کریم، سخن و کلام خداوند است. این کتاب آسمانی، آخرین، کامل‌ترین و ارزشمندترین سخن الهی است که وحی شده و آیات شریف آن تا روز قیامت بر زندگی انسان حاکم است.

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ

(خداوند بهترین سخن را وحی کرده و فرستاده است.) زمر: ۲۳

وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

(از بهترین آن چه از سوی پروردگارتان برای شما وحی شده پیروی کنید.) زمر: ۵۵

آیا می‌توان آموزش‌های فعلی قرآن را نیز به گونه‌ای بهتر طراحی کرد؟ آیا در آموزش قرآن، تنها یک روش و یک شیوه برنامه‌ریزی وجود دارد؟ آیا می‌توان در روش‌های موجود تأمل کرد و آن‌ها را مورد بازنگری قرارداد و شیوه‌ای بهتر، منطقی‌تر، پویاتر، اثربخش‌تر و جذاب‌تری را طراحی نمود؟ متن قرآن قابل تغییر و تحول نیست، ولی آموزش و روش تدریس آن، متناسب با زمان، مکان و مخاطب آن، قابل تغییر، تحسین و ارتقا است.

اگر مربیان قرآن به روش خاصی خو کرده‌اند، لزوماً آن روش برتر نیست. گاهی باید از شاکله بیرون آمد و جست‌وجو کرد که آیا آموزش را با شیوه بهتری می‌توان پیش برد؟ و آیا راه و رسم بهتری برای تدریس قرآن وجود دارد؟

آیا مربیان در این راه قدم گذاشته و روش‌های جدید را تجربه کرده‌اند؟ یا چون به روش‌های دیگر عادت کرده‌اند، روش‌های جدید را بر نمی‌تابند؟

● راه و رسمی که عادت شده لزوماً بهترین نیست.

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ

(بگو: هرکس مطابق حالتی که شکل گرفته، فعالیت می‌کند.)

فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَن هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا

(ولی پروردگارتان بهتر می‌داند راه و رسم چه کسی بهتر است.) اسراء: ۸۴

با توجه به اصول زبان‌آموزی و روش‌های نوین و پیشرفته در آموزش زبان و تجربه‌های گسترده معاصر که در این زمینه رخ داده و برای آموزش زبان‌های مختلف استفاده می‌شود که استقبال از آن‌ها نیز در حال افزایش است، آیا نباید در روش‌های آموزش قرآن کریم تأملی نمود و آن‌ها را بازنگری و بازسازی کرد؟ متن قرآن ثابت است، ولی روش آموزش آن می‌تواند انعطاف داشته باشد و متناسب با مخاطب، زبان او، زمان و مکان، تغییر کند.

در گام‌های اولیه یادگیری، باید با زبان قرآن آشنا شد، درست قرائت کرد و صحیح درک نمود. در شیوه‌ها می‌توان نوآوری داشت و متناسب با شرایط، برنامه‌ریزی نمود. اکنون از شیوه‌های ده‌ها سال پیش در آموزش قرآن استفاده می‌شود که متناسب با آن زمان‌ها بوده است. البته باید از روش‌های قدیم که هنوز پویا و اثربخش است بهره برد، ولی شیوه‌های بهتر را باید اصل و مبنا قرار داد. از این رو، شایسته است برنامه‌های آموزش قرآن، مورد بازنگری و بازسازی جدی قرار گیرد و متناسب با مخاطبان مختلف، از روش‌های ارتقا یافته استفاده شود. برای نمونه، می‌توان به سیر تکامل رسم الخط در طول زمان، از بدو نزول قرآن تاکنون اشاره کرد. در زمان نزول، خط قرآن بسیار ابتدایی و متناسب با سواد آن زمان بود و نقطه و اعراب نداشت. این خط به مرور زمان رشد کرد و نظم و نسق کامل‌تری یافت، تا به خط معاصر رسید. تلاوت قرآن نیز از صدر اسلام تا زمان حاضر تغییرات زیادی را پشت سر گذاشته تا به حالت و شکل کنونی رسیده است.

البته منظور از طراحی برنامه و روش جدید برای آموزش قرآن، بازنگری و بازسازی دقیق منطقی و علمی است؛ از این رو، نباید این معنا از آن برداشت شود که هرکس طبق سلیقه و ذوق شخصی و مورد پسند خود، روش آموزشی خاصی را طراحی و پیشنهاد کند. بدیهی است که بازنگری و بازسازی هر برنامه و روشی، باید بر اساس مبانی و اصول منطقی و علمی انجام شود.

آموزش‌های متداول قرآن در حال حاضر

در حال حاضر، آموزش قرآن کریم در کشور ما به طور سنتی متداول که در حال اجراست، بیشتر متمرکز بر مهارت‌های قرائت است.

■ روال آموزشی موجود، بیشتر به ترتیب زیر دنبال می‌شود:

روخوانی، روان‌خوانی، صحت قرائت، تجوید سطح یک، سطح دو، صوت و لحن و وقف و ابتدا؛ و بعد از آن، درک و فهم آغاز می‌شود. آموزش‌های حفظ نیز بیشتر کمی بوده و شامل ۱ جزء، ۳ جزء، ۵ جزء، ۱۰ جزء، ۲۰ جزء و کل قرآن می‌باشد.

همچنین آموزش مفاهیم که به طور جداگانه، بیشتر بر اساس کلمات اکثر و آشنای قرآن، صرف و نحو عربی و توضیح و تفسیر آیات صورت می‌گیرد.

به طور کلی مسیر قرائت، مفاهیم و حفظ جدای از یکدیگر طی می‌شود. برنامه و روش این آموزش‌ها و هر یک از مباحث و سرفصل‌های آن، یک به یک قابل بررسی و تأمل می‌باشد.

■ آموزش‌های متداول قرآن در حال حاضر

خواندن: روخوانی، تجوید، صوت و لحن، وقف و ابتدا

حفظ: ۱ جزء، ۳ جزء، ۵ جزء، ۱۰ جزء، ۲۰ جزء، کل

مفاهیم: کلمات اکثر و آشنا، صرف و نحو، توضیح و تفسیر آیات

آیا در برنامه و آموزش‌های فعلی که مباحث مربوط به خواندن و قرائت، جدای از مباحث مربوط به درک و فهم تدریس می‌شود، مطلوب است؟ آیا بهتر نیست برای عموم مردم به ویژه برای مبتدیان، آموزش‌های قرائت با درک و فهم تلفیق و ترکیب شود و در مراحل بالاتر، به صورت رشته‌های تخصصی جداگانه ارائه گردد؟

■ آموزش مطلوب

تلفیق و ترکیب رشته‌ها در مراحل ابتدایی

تخصصی و جداشدن رشته‌ها در مراحل بالاتر

می‌توان با تلفیق این آموزش‌ها، برای مبتدی و در سطح عموم، آموزش قرآن را جامعیت بخشید؛ یعنی

وقتی قرآن آموزش داده می‌شود، هم خواندن، هم درک و فهم و هم حفظ را شامل شود. اگر مریبان این سه موضوع را برای مبتدیان و عموم مردم، با هم و تلفیقی تدریس کنند، آموزش قرآن کریم، کامل‌تر، مؤثرتر، نتیجه‌بخش‌تر، شیرین‌تر و جذاب‌تر می‌شود.

■ آموزش جامع

تلفیق آموزش‌های قرائت، درک و فهم و حفظ

برای مبتدیان و عموم مردم

سزوار است برای آموزش قرآن که «أَحْسَنُ الْحَدِيثِ» است، بهترین راه و رسم آموزشی انتخاب شود. مبانی و معیارهای انتخاب روش بهتر با الهام از آیات قرآن و سیره پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام چیست؟

■ برخی معیارها با الهام از آیات و روایات

۱ انتخاب بهترین روش

فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ.

(بشارت‌ده آن بندگان مرا که سخن را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند). زمر: ۱۸

۲ تدریس به زبان مخاطب

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ.

(و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر به زبان قومش، تا به آن‌ها بفهماند). ابراهیم: ۴

۳ متناسب با ظرفیت درک افراد

نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

(به ما پیامبران دستور داده شده که با مردم به اندازه ظرفیت درکشان سخن بگوییم). پیامبر اکرم ﷺ اصول کافی

۴ آسان و هموار و به دور از سختی و پیچیدگی

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ.

(خداوند برای شما آسانی می‌خواهد، و سختی برای شما نمی‌خواهد). بقره: ۱۸۵

۵ متناسب با توانایی و ظرفیت مخاطب

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا.

(خداوند هیچ کسی را بر کاری وادار نمی‌کند، مگر متناسب با ظرفیت او). بقره: ۲۸۶

سطوح آموزش قرآن

آموزش‌های قرآن به طور کلی به دو سطح عمومی و تخصصی تقسیم شود :

■ اوّل : آموزش عمومی (سواد قرآنی)

یعنی آن مقدار از مهارت‌ها و اطلاعات قرآنی که شایسته است هر مسلمان فراگیرد و بلد باشد (سواد قرآنی عموم مردم)

■ مؤلفه‌های سواد قرآنی

■ ۱ مهارت‌های صحت قرائت قرآن، شامل :

روخوانی، وقف بر جمله، کوتاهی و کشیدگی حرکات و تلفظ حروف خاص.

■ ۲ مهارت‌های درک و فهم آیات، شامل :

معنای کلمه، ترکیب و جمله؛ قواعد ساده صرف و نحو، تفسیر ساده و تدبّر در آیات.

■ ۳ مهارت‌های انس با قرآن، شامل :

خواندن روزانه، حفظ نسبی، مراجعه به آیات و متکی کردن معارف، باورها و رفتارها به آیات قرآن کریم.

■ دوم : آموزش تخصصی

اطلاعات و مهارت‌های خاص قرآنی، برای افراد توانا و علاقه‌مندی که آموزش عمومی را پشت سر گذاشته و می‌خواهند در یک، یا چند رشته خاص قرآنی، به‌طور کامل‌تر، یا حرفه‌ای تحصیل کنند.

■ مؤلفه‌های آموزش تخصصی

■ ۱ مهارت‌های فصاحت و تجوید، شامل :

تلفظ فصیح حروف و حرکات، احکام تجویدی، وقف و ابتدای تجویدی، صوت و لحن ردیف و زیبا.

■ ۲ مهارت‌های درک و فهم عمیق‌تر، شامل :

معنای مفردات، ترکیبات، الگوهای زبان عربی، قواعد کامل صرف و نحو و تدبّر و تفسیر کامل.

■ ۳ ارتباط تخصصی با آیات قرآن، شامل :

حفظ کامل ترتیبی، یا حفظ موضوعی، مرور مستمر محفوظات، مراجعه به آیات و بررسی استدلالی مفاهیم و معارف قرآن.

مطابق این سطح‌بندی، همه آموزش‌های قرآن «خواندن، درک و حفظ» در سطوح مقدماتی و عمومی تلفیق می‌شود، ولی در سطوح بالاتر، رشته‌های مورد نظر به صورت جدا جدا و تخصصی، آموزش داده می‌شود.

از این رو، در آموزش‌های قرآن باید تأمل شود و سطح‌بندی آموزش‌ها، متناسب با زمان و مخاطب، بازسازی گردد.

در مرحله ابتدایی و عمومی، آموزش‌های متعارف مربوط به «خواندن، درک و حفظ» که در حال حاضر به صورت جداگانه و مستقل از یکدیگر تدریس می‌شوند، حتماً تلفیق شوند، تا آموزش قرآن برای مبتدیان و عموم مردم، آسان، اثربخش و شیرین گردد.

روخوانی	صحت قرائت	آموزش عمومی (سواد قرآنی)
وقف بر جمله		
کوتاهی و کشیدگی حرکات		
تلفظ حروف خاص	درک ساده	
معنای کلمه، ترکیب و جمله		
قواعد ساده صرف و نحو		
ترجمه، تفسیر و تدبیر ساده		
خواندن روزانه قرآن	انس با قرآن	
مراجعه به آیات و حفظ نسبی		
استناد به آیات در باورها و رفتارها		
تلفظ فصیح حروف و حرکات	فصاحت و تجوید	آموزش تخصصی (رشته مد نظر)
احکام تجویدی		
وقف و ابتدای تجویدی		
صوت و لحن ردیف و زیبا		
معنای مفردات و ترکیبات	مفاهیم	
الگوهای زبان قرآن		
قواعد کامل صرف و نحو		
تدبیر و تفسیر کامل		
حفظ کامل ترتیبی یا موضوعی	ارتباط با آیات	
مرور محفوظات و مراجعه به آیات		
بررسی استدلالی معارف قرآن		

عناصر برنامه آموزشی

تعیین اجزاء و عناصر درس، پیش از آغاز آموزش امری ضروری است. باید پیش از شروع آموزش قرآن، عناصر برنامه آموزشی مشخص شود؛ این عناصر شامل :

- ۱ تعریف درس
- ۲ اهداف نظری و مهارتی
- ۳ محتوای درس
- ۴ وسایل و ابزار آموزشی
- ۵ برنامه زمانی
- ۶ روش تدریس
- ۷ شیوه ارزشیابی

اینک توضیح این عناصر

۱ تعریف درس : ابتدا باید درس تعریف شود؛ یعنی مشخص گردد دقیقاً چه چیزی از آموزش قرآن می‌خواهد تدریس شود؟ حوزه و رشته آن چیست؟ مشخص شود که در رشته خواندن و قرائت است، یا درک و فهم؟ یا حفظ؟ یا همه این‌ها باهم؟ در چه سطحی است؟ سطح یک، دو، سه؟ این آموزش برای کودکان است یا نوجوانان و یا بزرگسالان؟ مخاطب در چه سطحی از سواد است، پیش‌دستان، ابتدایی، متوسطه یا بالاتر؟ و...

باید حد و مرز مشخصی برای درس مورد نظر تعریف شود و ویژگی‌های آن از هر جهت مشخص گردد.

۲ هدف درس : آموزش قرآن باید هدفمند و دارای نقطه آغاز و انجام روشن و اهداف کلی و جزئی مشخص باشد. باید مشخص شود که قرآن‌آموز از کجا به کجا و از چه نقطه به چه نقطه مطلوبی می‌رسد؟ میزان پیشرفت خواندن و قرائت، درک و فهم و حفظ به چه حدی است؟ دقیقاً چه اهدافی دنبال می‌شود؟ درحال حاضر، آموزش‌های متداول قرآن، هدف و نقطه روشنی را دنبال نمی‌کند، آغاز و انجام آن مشخص و روشن و قابل اندازه‌گیری دقیق نیست. بیشتر به حالت شعاری و با چراغ خاموش انجام می‌شود، درحالی که شایسته است بدانیم در هر مرحله آموزشی، به چه میزان از مهارت‌ها و اطلاعات می‌رسیم؟ باید گام‌های آموزشی را به گونه‌ای روشن و شفاف انجام دهیم که قابل اندازه‌گیری دقیق باشد.

۳ محتوای درس : باید محتوای درس قرآن مشخص باشد که دقیقاً چه مطالبی تدریس می‌شود؟ همه آیات قرآن کریم یا سور و آیات منتخب؟ چه مقدار از قواعد؟ در چه سطحی؟ همچنین سایر فعالیت‌های تدریس. تعیین مشخصات دقیق محتوای آموزش، رکن اساسی و ضروری برنامه است.

۴ وسیله آموزشی : باید مشخص شود درسی که تعریف شده و هدف و محتوای آن معین گشته، به چه ابزار و وسایلی نیاز دارد؟ چه وسایلی عمومی مورد نیاز هر درس و چه، وسایلی خاص آموزش قرآن. باید معین شود کدام کتاب، جزوه، لوح، لوح فشرده، وسیله صوتی، تصویری و مانند آن، مورد نیاز است؟ در انتخاب وسایل و ابزار آموزشی باید توجه کرد که متناسب با سطح آموزش و مخاطب باشد؛ یعنی ابتدا مخاطب و سطح آموزش مشخص شود، سپس وسایل آموزشی مورد نیاز تهیه گردد. مثلاً با توجه به سن مخاطب و تحصیلات او، آیا نیاز به مصحف کامل است یا بخشی از آیات، همچنین لوحه آموزشی و سایر وسائل. در ضمن، این وسائل با چه کیفیتی باشد؟

۵ زمان درس : درس نیاز به برنامه زمانی دارد، هم زمان کلی دوره آموزشی و هم زمان جزئی هر جلسه. مثلاً زمان کلی آموزش جمعاً چند ساعت است؟ کلاس چند روز در هفته تشکیل می‌شود؟ در هر روز چند جلسه برگزار می‌گردد؟ زمان هر جلسه چند دقیقه است؟ درس، تمرین، یادآوری، پرسش، آزمون؛ برای هر کدام چه مقدار وقت اختصاص دارد؟

۶ روش تدریس : تدریس با چه شیوه و رویه‌ای انجام می‌شود؟ در تعیین روش تدریس و شیوه آموزش، باید به این پرسش‌ها پاسخ داده شود :

- مخاطب درس در چه سنی است؟ کودک، نوجوان، جوان یا بزرگسال؟
- سواد او در چه سطحی است؟ پیش‌دبستان، ابتدایی، متوسطه، عالی؟
- در اطلاعات و مهارت‌های قرآنی چه زمینه‌ها و سوابقی دارد؟

پاسخ به این پرسش‌ها کمک می‌کند که معلم روش تدریس خود را، متناسب با شرایط و توان مخاطب خود، تنظیم کرده و شیوه مناسبی را برای آموزش انتخاب کند. از این رو، با توجه به ویژگی‌ها و زمینه‌های مختلف، مربی باید شیوه‌ای آسان، به روز، متناسب با اقتضائات و شرایط زمانه، جذاب و اثربخشی را برای تدریس قرآن انتخاب کند.

۷ شیوه ارزش‌یابی : آخرین عنصر برنامه درسی، اندازه‌گیری میزان موفقیت در آموزش است، باید بررسی شود که برنامه آموزشی با محتوای مشخص، وسایل و ابزار تعیین شده، در زمان مقرر و با روش منتخب؛ چه اندازه به اهداف مورد نظر دسترسی پیدا کرده، یا نزدیک شده و چه مقدار موفق بوده است؟ از سوی دیگر باید مشخص شود کلاس‌داری و تدریس معلم، به چه میزان مطلوب بوده و او را چه مقدار به اهداف برنامه رسانده یا نزدیک کرده است؟ همچنین قرآن‌آموز چه مقدار در یادگیری مطالب و مهارت‌ها موفق شده است؟

از این رو، پیش‌بینی یک ساز و کار مطمئن و کارآمد برای ارزش‌یابی میزان تحقق اهداف درس قرآن مد نظر، بسیار ضروری است تا برنامه آموزشی، فعالیت معلم و پیشرفت دانش‌آموز، مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار گیرد.

آنچه بیان شد، اصول، مبانی و باید‌های برنامه آموزش قرآن است که در این عناصر و اجزا باید تعریف و ارزیابی شود. بنابراین، مریدان محترم قرآن، باید ابتدا به مبانی، اصول و منطق حاکم بر برنامه و روش آموزش توجه کنند، سپس سلاقی شخصی خود را دخالت دهند. نباید سلیقه و نظر شخصی بر مبانی و اصول غالب شود؛ بلکه با در نظر گرفتن این نکات، برنامه آموزشی مناسبی طراحی و برنامه‌ریزی گردد و آموزش قرآن به شیوه‌ای نظام‌مند و اثربخش، در زندگی قرآن‌آموزان نقش بیشتری ایفا کند.

تَعَلَّمُوا، قَبْلَ أَنْ تَحْكُمُوا

یاد بگیرید قبل از این که حکومت کنید.

توانایی در کلاس‌داری، اجرای روش مناسب و تربیت خوب شاگرد، نوعی حکومت‌کردن در کلاس و درس است.

چه شایسته است مریدان محترم برای رضای خدا اقدام کنند، از خدا مدد بگیرند و قبل از تدریس، برای این امر مهم آمادگی‌های لازم را کسب نمایند. کسانی که در راه خدا تلاش می‌کنند، خداوند راه‌های هدایت را به آن‌ها نشان می‌دهد :

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا.

(همچنین «ما کانَ لَیْلَهُ یَنمو» : آن‌چه برای خداست، رشد و نمو می‌کند). عنکبوت: ۶۹

در ابتدای راهنمای تدریس دروس بخش «قرائت و فصاحت» رمزینه‌ای قرار داده شده است، که از آن می‌توانید فیلم ضبط شده از سوی مؤلفان را برای تدریس درس دریافت نموده و از محتوای آن بهره‌مند گردید.

راهنمای تدریس قرائت و فصاحت به تفکیک دروس

فصل دوم



قرائت زیبای قرآن

درس ۱

مباحث خواندن قرآن

خواندن قرآن دو موضوع صحت قرائت و تجوید و فصاحت دارد.

■ دو موضوع خواندن قرآن

۱ صحت قرائت : درست خواندن

۲ تجوید و فصاحت : به لحن عربی و زیبا خواندن

هر کدام از دو موضوع خواندن قرآن، چهار مؤلفه دارد :

مؤلفه‌های صحت قرائت		مؤلفه‌های تجوید و فصاحت	
۱	روخوانی	۱	فصاحت تلفظ حروف و حرکات
۲	وقف بر جمله	۲	احکام و قواعد تجویدی
۳	کوتاهی و کشیدگی حرکات	۳	وقف و ابتدای بهتر
۴	تلفظ صحیح حروف خاص	۴	صوت و لحن زیبا

پرداختن به چهار مؤلفه صحت قرائت، در آموزش عمومی ضروری است و باید در اولویت قرار گیرد؛ و عمده تلاش بر آموزش آن‌ها متمرکز شود؛ آن‌گاه پس از قوام گرفتن آن، به فصاحت و تجوید پرداخته شود. شایان ذکر است به این نوع تقسیم‌بندی از خواندن قرآن، در کتاب‌های موجود و مربوط به روخوانی و تجوید، به طور جدی توجه نشده است.

آسیب‌های صحت قرائت

عدم رعایت صحت قرائت، آسیب‌هایی جدی به خواندن وارد می‌کند. آسیب‌ها عبارت‌اند از: تبدیل، جابه‌جایی، کم‌شدن و اضافه‌شدن حرف یا حرکت؛ وقف در وسط جمله و جداسدن کلمه از جمله خود و وصل آن به جمله دیگر.

برای آسیب شناسی قرائت و رفع اشکال قرآن‌آموزان و اصلاح اشتباهات آن‌ها، باید به نکات زیر به‌طور جدی توجه شود.

■ اشتباهات در صحت قرائت

- تبدیل حرف یا حرکت
- جابه‌جایی حرف یا حرکت
- کم‌شدن حرف یا حرکت
- اضافه‌شدن حرف یا حرکت
- جابه‌جایی کلمات جمله‌ها

■ عناصر لازم برای تصحیح اشتباهات

- ۱ تشخیص دقیق اشتباه
- ۲ علت‌یابی اشکال و اشتباه
- ۳ پیدا کردن راه حل مناسب برای تصحیح اشتباه
- ۴ برخورد مدبرانه و سازنده با اشکال و اشتباه قرآن‌آموز

■ مهم‌ترین علت‌های اشتباه در قرائت

- شتاب‌زدگی و عجله در خواندن
- طولانی خواندن (چند جمله با هم)
- کلی خواندن و عدم دقت به اجزای خط
- اشتباه در حفظ، یا لهجه و ذهنیت قبلی

■ برخورد مدبرانه و سازنده با اشکال و اشتباه قرآن‌آموز :

- ۱ قطع نکردن قرائت قرآن‌آموز و صبر و تحمل تا وقف او
- ۲ تشویق قرآن‌آموز برای کلماتی که درست خوانده است.
- ۳ درخواست تکرار جمله مورد اشتباه توسط خود او
- ۴ در صورت تکرار اشتباه، کمک به قرآن‌آموز برای تصحیح آن
- ۵ تکرار مجدد جمله اصلاح شده توسط فرد مورد نظر

موضوع آسیب‌شناسی قرائت بسیار حائز اهمیت است و باید به‌طور جدی به آن توجه شود. از این رو، حق مطلب با این سخن مختصر ادا نمی‌شود؛ بلکه نیاز دارد به بحث مفصل در کتابی مستقل.



تلفظ حروف خاص

درس ۳۲

مقدمه

اغلب حروف عربی مثل حروف فارسی تلفظ می‌شوند، ولی در فارسی برخی حروف مثل هم خوانده می‌شوند؛ یعنی چند حرف، یک تلفظ دارند.

■ مثلاً: «ع» به صدای «ء»

«ح» به صدای «ه»

«ط» به صدای «ت»

«ث، ص» به صدای «س»

«ذ، ض، ظ» به صدای «ز» تلفظ می‌شوند.

«غ» و «ق» نیز اغلب جابه‌جا تلفظ می‌شوند.

این حالت در زبان عربی فصیح، وجود ندارد و اگر کلمات قرآن این‌گونه تلفظ شوند، اشکال جدی به وجود می‌آید؛ زیرا اگر حرفی به حرف دیگری تبدیل شود، تغییر معنا را به دنبال خواهد داشت. به مثال‌های زیر توجه کنید:

عَلِیم : دانا	اَلِیم : دردناک
اُحِلَّ : حلال شد	اُهِلَّ : نام برده شد
طَابَ : نیکو شد	تَابَ : توبه کرد
اِسم : گناه	اِسْم : نام
قَدْ : قطعاً	عَدَ : فردا
ظَلَّ : سایه افکند	ضَلَّ : گمراه شد

در این مثال‌ها مشاهده می‌شود که به دنبال تغییر در تلفظ حرف، معنای کلمه و در پی آن، معنای آیه نیز تغییر می‌کند.

بنابراین، باید در حین خواندن قرآن به تلفظ صحیح حروف دقت کرد؛ زیرا با تبدیل حرفی به حرف دیگر، آیه قرآن و کلام خدا نیز تغییر می‌کند.

تبدیل حرف = تغییر معنا

آموزش تلفظ صحیح حروف خاص در خواندن کلمات و آیات قرآن، بسیار ضروری است و باید به طور جدی به آن بپردازیم. بر همین اساس، چهارمین مبحث در آموزش صحت قرائت قرآن، تلفظ صحیح حروف خاص عربی است.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا تلفظ حروف خاص، به عموم مردم باید تدریس شود یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است، باید صبر کرد تا ابتدا روخوانی شکل و قوام لازم را بگیرد، تا وقتی که قرآن‌آموز به مرحله روان‌خوانی برسد، تلفظ حروف خاص تدریس شود؛ ولی از ابتدای آموزش روخوانی، باید قرآن‌آموز به قرائت صحیح و معتبر استماع کند؛ ولی توضیح نحوه تلفظ، تکلیف و پرسش، بماند برای مرحله روان‌خوانی.

آموزش تلفظ حروف خاص

در زبان فارسی ۳۲ حرف نوشته می‌شود، ولی ۲۴ حرف تلفظ می‌گردد؛ چون برخی از حروف، تلفظ خاصی برای خود ندارند و به صدای حروف دیگر تلفظ می‌شوند.

در زبان فارسی: ح به صدای هـ، عین به صدای الف، ط به صدای ت، ث و صاد به صدای سین و ذال، ظا و ضاد به صدای ز تلفظ می‌شود.

وقتی این هشت حرف (ح ع ط ث ص ذ ظ ض) را از ۳۲ حرف کسر می‌کنیم، ۲۴ حرف می‌ماند؛ از این رو، حروف فارسی در نوشتن ۳۲ حرف است، ولی در شنیدن، گفتن و خواندن ۲۴ حرف است. الفبای عربی، هم در نوشتن و هم در شنیدن و خواندن، ۲۸ حرف است؛ زیرا چهار حرف (پ ژ گ چ) در عربی فصیح نیست.

از این رو، در عربی چهار حرف (پ ژ گ چ) از فارسی کمتر نوشته می‌شود؛ ولی در تلفظ فصیح عربی، هشت حرف (ح ث ذ ص ض ط ظ ع) از فارسی بیشتر است و تلفظ خاص خود را دارد. یعنی حروف فارسی در نوشتن، چهار حرف بیشتر از حروف عربی دارد، ولی در خواندن چهار حرف کمتر؛

البته در فارسی گاهی دو حرف غ و ق نیز جابه‌جا تلفظ می‌شوند.

■ زبان فارسی در نوشتن ۳۲ حرف، ولی در خواندن ۲۴ حرف دارد.

چون :

ح	مانند صدای هـ
عین	مانند صدای الف
طا	مانند صدای ت
ث، صاد	مانند صدای سین
ذال، ظا، ضاد	مانند صدای ز تلفظ می‌شوند.

■ عربی در نوشتن و تلفظ ۲۸ حرف دارد.

هر حرف عربی دارای تلفظ خاص خود می‌باشد.

نوشتن فارسی چهار حرف بیشتر از عربی؛ خواندن چهار حرف کمتر.

تلفظ خاص هشت حرف (ث ح ذ ص ض ط ظ ع) معمولاً در فارسی استفاده نمی‌شود.

اگر هر یک از مؤلفه‌های صحّت قرائت، رعایت نشود، اشکال و خلل اساسی به قرائت وارد می‌شود؛ یعنی اگر روخوانی درست انجام نشود، معنا تغییر می‌کند؛ اگر بر جمله‌ها درست وقف نشود، کلمات و جملات با هم مخلوط شده و جملات قرآنی درست منعقد نمی‌شود؛ و اگر حروف خاص، درست تلفظ نگردد و مطابق عرف زبان فارسی تلفظ شود، نیز صحت قرائت، مختل شده و معانی تغییر می‌کنند.

اکنون حروف خاص عربی را با چه روشی تدریس کنیم؟

هجده حرف (أ ب ت ج خ د ر ز س ش ف ک ل م ن و هـ ی) در فارسی و عربی تقریباً

تلفظ مشترکی داشته و از نظر صحت قرائت، به تدریس نیاز ندارد.

ولی تلفظ ده حرف خاص (ث ح ذ ص ض ط ظ ع غ ق) به آموزش نیاز دارد و باید به تدریج تدریس

و تمرین شود تا در نماز و قرائت قرآن به طور صحیح تلفظ گردد.

آموزش تلفظ حروف دو سطح دارد :

■ سطح اول : مربوط به صحت قرائت

■ سطح دوم : مربوط به تجوید و فصاحت

صحت قرائت حرف، یعنی تلفظ درست آن، به نحوی که با حرف دیگر اشتباه نشود؛ مثلاً ح با هـ، ع با

أ، ذ با ز، ث با س اشتباه نشود.

این قدم اول است و عموم مردم به این مقدار آموزش نیاز دارند، تا حداقل نمازشان درست باشد و عموم

مراجع تقلید نیز روی این مقدار تأکید دارند.

ولی سطح دوم مربوط به فصاحت و تجوید، لحن عربی و زیبایی قرائت است و سطح بالاتر را تشکیل می‌دهد؛ یعنی هر حرف، علاوه بر صحت تلفظ، شایسته است که فصیح و زیبا نیز ادا شود.

در سطح یک، مثلاً همین که با غلیظ تلفظ کردن، ح از ه و ع از ا متمایز و جدا شود، صحت قرائت محقق می‌گردد، ولی از نظر فصاحت تلفظ و تجوید، این مقدار کافی نیست.

هر حرف باید اولاً درست و ثانیاً فصیح و زیبا تلفظ گردد.

در سطح دو علاوه بر غلظت ح و ع نباید این دو حرف درشت ادا شوند؛ در تلفظ، فصیح و زیبا افراط و تفریط نیست. حرف باید به گونه‌ای تلفظ شود که علاوه بر درست بودن، به لحن عربی فصیح و زیبا نیز ادا شود.

■ سطح یک آموزش صحت قرائت حروف

■ سطح دو آموزش تجوید و فصاحت حروف

در آموزش عمومی، تلفظ صحیح، با روشی آسان، کوتاه و کاربردی تدریس می‌شود. آموزش آسان، یعنی به زبان و روشی که عموم مخاطبان، به سادگی درک کنند و برایشان قابل فهم و اجرا باشد. مثلاً در تدریس ح این گونه می‌گوییم: غلیظ از ته گلو، تا گرفتگی ح محقق شود. در مورد ع نیز می‌گوییم: غلیظ از ته گلو.

روش تدریس نباید سنگین و پیچیده باشد، قرائت نیز نباید همراه با وسواس و تکلف باشد و قرآن آموز، دهانش را کج و معوج کند؛ بلکه در سطح یک باید آموزش تلفظ، در نهایت سادگی باشد.

باید از شرح و توضیح اصطلاحات تخصصی علم قرائت و تجوید، مانند: بیان مخرج، صفت، استعلا، استفال، جهر، همس، اطباق و... پرهیز کرد؛ این اصطلاحات و تعاریف، برای افراد مبتدی ضرورتی ندارد و در تلفظ آن‌ها نقشی ایفا نمی‌کند؛ عموم مردم، حوصله این گونه مطالب را نداشته و به آن‌ها نیاز ندارند؛ این مباحث فقط برای سطوح بالاتر مناسب است.

به جای این اصطلاحات، شگرد و روش آموزش ساده و اثربخش ضرورت دارد، تا تلفظ صحیح، به راحتی و با بیانی کوتاه، آسان و همه فهم آموزش داده شود.

از این رو، در توضیح نحوه تلفظ حروف، به جای اصطلاحات تخصصی علم قرائت، خوب است از کلمات: نوک زبانی، درشت، نازک، محکم، نرم، و مانند آن استفاده شود؛ این کلمات را همه می‌فهمند و درک می‌کنند.

شایان ذکر است حتی اگر تدریس به زبان ساده باشد، آموزش وقتی نتیجه می‌دهد که مربی تلفظ صحیح

حرف را نمایش دهد و به گوش شاگردان برساند و آن‌ها الگوی شنیداری را تشخیص دهند و بتوانند تلفظ مورد نظر را بازگو کنند؛ در غیر این صورت، آموزش کاربردی و اثربخش حاصل نمی‌شود.

■ آموزش عمومی باید آسان، کوتاه و کاربردی باشد.

پس مربی و معلم باید هنگام قرائت خود، یا پخش صوت قاری، از شاگردان بخواهد خوب گوش کنند و ببینند که چگونه این حرف تلفظ می‌شود.

مثلاً ح یا ع چگونه تلفظ می‌شود، آن‌ها نیز مانند وی تلفظ کنند.

همچنین آموزش تلفظ حروف پشت سرهم و با رعایت فرصت یادگیری آموزش داده شود؛ و تا حد امکان در هر جلسه یک حرف آموزش داده و تمرین شود تا تلفظ حرف به تدریج تبدیل به مهارت گردد. تدریس زمانی ثمربخش می‌شود و به نتیجه می‌رسد که شاگردان به توانایی و مهارت تلفظ برسند.

■ در هر جلسه فقط یک حرف باید تدریس شود؛ و با تمرین مؤثر، به تدریج توانایی و مهارت حاصل گردد.

در بسیاری از دوره‌های آموزشی، اطلاعات کلی و نظری تدریس می‌شود، ولی قرآن آموز نمی‌تواند در نماز، یا قرائت قرآن، حروف را درست تلفظ کند. ضمناً تدریس باید به گونه‌ای باشد که به وسواس، تکلف و بدآموزی منجر نشود و از آسیب‌ها جلوگیری کند.

گام‌های آموزش تلفظ حرف

■ گام اول: توجه دادن به تلفظ حرف در قرائت الگو؛ یعنی با قرائت مربی یا تلاوت نوار و لوح فشرده، قرائت صحیح به گوش قرآن آموز می‌رسد.

■ گام دوم: مقایسه حرف مورد نظر با حرفی که با آن اشتباه می‌شود؛ یعنی وقتی قرآن آموز قرائت را گوش می‌کند، می‌پرسیم:

مثلاً ح مثل ه به طور معمولی ادا می‌شود، یا غلیظ ح؟

صاد به حالت معمولی س خوانده می‌شود، یا به حالت درشت ص؟

کدام یک درست است: سَلَّ یا صَلَّ؟

اگر از قرآن آموزان بپرسیم، کلاس فعال می‌شود. حتی اگر یک نفر حالت صحیح را تشخیص و پاسخ

دهد، بسیار خوب است.

■ **گام سوم :** بیان ساده و همه فهم نحوه تلفظ حرف، به صورت سؤال؛ و مقایسه آن با حرف مشابه؛ یعنی به زبان ساده از نحوه تلفظ سؤال می شود.

مثلاً: تلفظ به حالت معمولی یا غلیظ؟ نازک یا درشت؟ نرم یا محکم؟

■ **گام چهارم :** نمایش تلفظ حرف؛ یعنی مربی تلفظ حرف مورد نظر را با حرفی که با آن اشتباه می شود، به طور مقایسه ای نمایش داده و در مقابل شاگردان تلفظ می کند، تا آن ها به خوبی متوجه تلفظ صحیح شوند. مثلاً برای تدریس ح می گوید: ح به طور معمولی مثل ه خوانده می شود، یا به حالت غلیظ ح؟ در قرائت قاری چگونه شنیدید، الهمدُ یا الحمدُ؟

از شاگردان می خواهد کلمه الحمدُ را دسته جمعی تکرار کنند، سپس از یک یک آن ها در قالب حرف، یعنی ح بعد در قالب کلمه الحمدُ می پرسد.

مقایسه به صورت حرف، سپس در قالب کلمه دارای آن حرف

درس باید به طور عملی و کاربردی پیش رود و گوش قرآن آموز به تلفظ حرف مدّ نظر حساس گردد و با تلفظی که عادت دارد و با آن اشتباه می کند، مقایسه شود؛ سپس با بیان ساده و کوتاه که برای همه قابل درک است، نحوه تلفظ حرف توضیح و نمایش داده می شود و با تلفظ غلط مقایسه می گردد. مقایسه تلفظ حرف ابتدا به تنهایی، سپس در قالب کلمه تمرین می شود؛ معلم می خواند و قرآن آموز تکرار می کند.

گام های آموزش تلفظ حرف

۱ شنیدن تلفظ حرف

۲ نمایش نحوه تلفظ

۳ مقایسه تلفظ فارسی با حالت صحیح، به صورت سؤال

۴ توضیح تفاوت حروف، به زبان ساده، کوتاه و کاربردی

قرآن آموزان ابتدا دسته جمعی تکرار می کنند، تا اگر حرف را اشتباه تلفظ کردند، مضطرب نشوند. آن گاه به طور داوطلبانه یا از روی لیست اسامی، به صورت انفرادی پرسش می شود. بهتر است ابتدا از افراد قوی و با جرأت، پرسش شود، سپس از افراد ضعیف و خجالتی. همچنین جمله های بلند و مشکل از افراد قوی تر پرسش شود و جمله های کوتاه و آسان از افراد ضعیف تر. باید پرسش با تدبیر و به خوبی مدیریت شود.

تمرین و پرسش

ابتدا از جمع سپس از فرد
 ابتدا از قوی سپس از ضعیف
 ابتدا از داوطلب سپس از خجالتی
 جمله‌های بلند و مشکل از افراد قوی‌تر
 جمله‌های کوتاه و آسان از افراد ضعیف‌تر

تلفظ صحیح حروف در کدام متن اولویت دارد؟ در قرائت و اذکار نماز. اذان و اقامه، حمد و سوره، ذکر رکوع و سجود و تسبیحات تا تشهد و سلام. هر جمله‌ای که دارای حرف مورد نظر است، باید خوب تمرین شود.

اولویت در آموزش تلفظ حروف در اذکار نماز است.

دو حرف ح و ع پر استعمال بوده و در قرائت نماز خیلی استفاده می‌شود. ولی حروف ث ذ ص ض ط ظ غ ق کمتر استفاده می‌شوند. از این رو، ترتیب تدریس حروف، یا بر اساس فراوانی استفاده از آن‌ها، یا آسانی و سختی تلفظ، تنظیم می‌شود؛ مانند تلفظ ح ع ط که راحت‌تر تدریس می‌شوند؛ اما تدریس حروف ث ص و ذ ض که دوتایی و سه‌تایی هستند، باید طوری برنامه‌ریزی شود که از آسان به مشکل باشد. ابتدا باید قرآن‌آموز تلفظ حرف مورد نظر را بشنود و با حرفی که با آن اشتباه می‌شود مقایسه گردد و تلفظ آن نمایش داده شود، و از او سؤال شود تا او تلفظ صحیح را تشخیص دهد و انتخاب کند و کلاس فعال باشد.

باید بیشتر تأکید بر تمرینی باشد که قرآن‌آموز را به مهارت و تسلط کافی برساند. باید گوش قرآن‌آموز تلفظ مورد نظر را بشنود و زبانش آن را تکرار کند، تا به مهارت برسد و بتواند به راحتی و درست تلفظ کند؛ یعنی طوری تدریس شود که شاگرد به مهارت عملی برسد، نه به دانستن نظری. هر حرف ابتدا به تنهایی، سپس در کلمه و بعد در جمله تمرین شود.

نحوه تدریس تلفظ هر حرف

در این بخش روش آموزش تلفظ ده حرف خاص، یک به یک بررسی می‌شود، تا در قرائت نماز و قرآن درست تلفظ شده و معانی کلمات تغییر نکند.

۱ تلفظ ث

حرف ث در فارسی به صدای سین تلفظ می‌شود، ولی در قرائت قرآن، نوک زبانی است و زبان بین دندان قرار می‌گیرد.

ث: نوک زبانی، زبان بین دندان

پس از پخش فرازی از آیات یا تلاوت خود مری، نحوه تلفظ حرف از قرآن آموز سؤال می‌شود، تا به تلفظ ث توجه کند.

مری تلفظ ث را به صورت مقایسه با سین نمایش می‌دهد و از قرآن آموز می‌پرسد که حرف ث به حالت معمولی تلفظ می‌شود س، یا به صورت نوک زبانی ث؟ قرآن آموز معمولاً درست جواب می‌دهد. آن‌گاه مری از قرآن آموز می‌خواهد که مثل او تکرار کند. نوک زبان را بین دندان قرار دهد و به صورت نوک زبانی تلفظ کند. سپس تأکید می‌شود که زبان را لای دندان‌ها بیاورد، تا دوباره به حالت سین تلفظ نکند. روش دیگر برای آموزش ث که ساده و همه فهم است، عبارت است از: فوت کردن با نوک زبان. نیاز به بیان دقیق محل اتصال زبان به زیر دندان‌های جلو نیست؛ قرآن آموز خود به خود سر زبان را لای دندان‌های جلو قرار می‌دهد، نه دندان‌های کناری.

پس از این که قرآن آموزان به صورت دسته‌جمعی تلفظ ث را تکرار کردند، از آن‌ها به شکل انفرادی از روی لیست اسامی یا داوطلبی می‌پرسیم.

آن‌گاه کلمات دارای ث به صورت دسته‌جمعی و انفرادی تمرین می‌شود؛ مانند:

مِثْقَالٌ ثَقُلْتُ أَثْقَالُهُا
فَحَدَّثْتُ تُحَدِّثُ بُعِثَرُ

کلمه	جمله
التَّكَاثُرُ	أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ
الْكُوفَرُ	إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْفَرُ
مِثْقَالُ	فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ
نَمَّ	نَمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ نَمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ
المَبْشُوثِ	يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْشُوثِ

سپس جملات قرآنی دارای ث به صورت جمع‌خوانی و فردخوانی تمرین می‌شود. کلمات و آیات مورد استفاده در تمرین، در صورت امکان، در لوحه‌ای آماده، یا روی تخته کلاسی نوشته می‌شود. ستون اول برای کلمه دارای ث و ستون دوم برای جمله قرآنی دارای آن کلمه. آن‌گاه جملاتی آورده شود که دارای ث و سین است، تا با هم مقایسه شوند.

باید دقت شود که قرآن آموز به افراط نیفتد و سین را مانند ث نوک زبانی نگوید. باید درس به نحوی مدیریت شود، تا این آسیب پیش نیاید.

۲ تلفظ صاد

حرف صاد در فارسی به صدای سین ادا می شود، ولی در قرائت قرآن، درشت و پر از گلو تلفظ می گردد.

صاد: درشت و پر، از گلو

پس از استماع قرائت قاری، مربی از قرآن آموزان می پرسد:

صاد مثل سین معمولی ادا می شود یا درشت؟ س یا ص؟ سَلَّ یا صَلَّ؟

توضیح ساده در قالب سؤال، مقایسه صاد با سین و نمایش تلفظ آن، انجام می شود؛ سپس برای کسب مهارت، اذکار نماز تمرین می شود؛ مانند:

کلمه	جمله
الصَّلَاةُ	حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
صِرَاطُ	إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
الصَّمَدُ	اللَّهُ الصَّمَدُ
صَلَّ	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
الصَّالِحِينَ	السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

۳ تلفظ ذال

حرف ذال در فارسی به صدای ز تلفظ می شود، ولی در قرائت قرآن، نوک زبانی است و زبان بین دندان قرار می گیرد.

ذال: نوک زبانی، زبان بین دندان

تلفظ ذال مانند تلفظ ث آموزش داده می شود. بعد از نمایش تلفظ آن، از قرآن آموز پرسش می شود که زبان پشت دندان ها گیر می کند، یا زیر دندان ها قرار می گیرد؟

برای تمرین ذال، ابتدا قرائت اذکار نماز، سپس آیات مقرر درس، استماع و تکرار می‌شود.
حرف ذال در نماز کم استعمال است؛ مانند :

کلمه	جمله
اَلَّذِيْنَ	صِرَاطَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
بِاِذْنِ	بِاِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ اَمْرٍ
عَذَابِ	وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
اِذَا	اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَ الْفَتْحُ

مطالبی که تدریس نشده، از قرآن آموز مطالبه نمی‌شود. فقط حروفی که تدریس شده، پرسش می‌گردد.

۴ تلفظ ظا

پس از تدریس حرف ذال و براساس تلفظ آن، حرف ظا تدریس می‌شود؛ چون ذال یک مرحله‌ای و ظا دو مرحله‌ای است.
ظا مانند ذال، نوک زبانی است، ولی بر خلاف ذال درشت ادا می‌شود. بنابراین، ظا نوک زبانی و درشت است.

ظا : نوک زبانی درشت، یا ذال درشت

قرآن آموزان ابتدا آیات درس را با توجه به تلفظ ذال گوش می‌دهند، سپس به چگونگی تلفظ ظا دقت می‌کنند.

ابتدا سؤال می‌کنیم که ظا معمولی تلفظ می‌شود؛ مثل ز یا نوک زبانی؟ آن‌گاه می‌پرسیم تلفظ ظا مثل ذال نازک است یا درشت؟ که در واقع این تفاوت ذال و ظا است. آن‌گاه می‌پردازیم به تمرین ظا در مقایسه با ذال و ز.

حرف ظا در نماز فقط در ذکر رکوع آمده است.

ذکر «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» را چگونه می‌خوانیم؟
رَبِّيَ الْعَظِيمِ یا رَبِّيَ الْعَظِيمِ

سپس می‌پردازیم به تمرین ظا در آیات درس، تا قرآن آموزان به مهارت و تسلط کافی برسند.

باید همواره حروفی که قبلاً آموزش داده شده، در درس جدید مدّ نظر باشد و صحیح تلفظ شود. مری برای این درس نیز در صورت امکان لوحه دارای دو ستون تهیه می‌کند؛ ستون اوّل برای کلمات دارای حرف ظا و ستون دوم برای جمله‌های قرآنی دارای آن کلمه؛ که حرف ظا در هر دو ستون به رنگ قرمز است؛ مانند :

کلمه	جمله
العَظِيمِ	سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
حَافِظًا	فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا
لِحَافِظُونَ	وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ
حِفْظُهُمَا	وَ لَا يَتَوَدَّهٖ حِفْظُهُمَا
الظُّلُمَاتِ	يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ

۵ تلفّظ ضاد

حرف ضاد بر اساس ظا تدریس می‌شود و سه مرحله دارد؛ یعنی نوک زبانی مثل ذال و درشت مثل ظا؛ ولی بر خلاف ظا، محکم است.

ضاد : نوک زبانی درشت و محکم، یا ظای محکم

مخرج و صفت ضاد آن گونه که در کتب تجوید آمده است، بیان نمی‌شود؛ چون برای عموم نه تنها مفید نیست؛ بلکه بدآموزی دارد. اشاره به اتصال کناره‌های زبان به دندان، معمولاً منجر به تلفظ جدید و نامطلوبی می‌شود که در زبان عربی و قرائت فصیح قرآن وجود ندارد. در تدریس ضاد برای عموم، باید از وسواس و تکلف پرهیزیم. این حرف مانند حروف قبلی باید با شیوه آسان، همه‌فهم و کاربردی تدریس شود. قرآن آموز ذال و ظا را باید خوب یاد گرفته باشد و در درشت تلفظ کردن ظا مهارت کافی پیدا کرده باشد، تا در تلفظ ضاد علاوه بر نوک زبانی و درشتی، آن را محکم نیز ادا کند :

ذ ← ظ ← ض

ظا نرم و قابل کشش است، ولی ضاد محکم و غیر قابل کشش.

هر تلفظی که نرم باشد، قابل کشش و امتدادپذیر است، ولی هر تلفظی که محکم باشد، غیر قابل کشش و امتدادناپذیر است.

در این حرف نیز مربی باید چهار نکته تدریس حروف را رعایت کند :

۱ توضیح ساده

۲ به صورت سؤال

۳ مقایسه با مشابه

۴ نمایش تلفظ

فراغوش نشود، تدریس و تمرین این حرف نیز باید به گونه‌ای انجام شود که قرآن آموز به مهارت و تسلط کافی برسد.

ضاد حرف کم استعمال است و در اذکار نماز در این جمله‌ها آمده است :

کلمه	جمله
الْمَغْضُوبِ	غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
الضَّالِّينَ	وَلَا الضَّالِّينَ
أَنْقَضَ	الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ
الضَّعِيفِ	إِرْحَمْ عَبْدَكَ الضَّعِيفَ

قرآن آموز می‌تواند قرائت نماز و قرآن خود را ضبط کند و با استماع آن، قرائت خود را بررسی کند و متوجه شود که هر حرف را چگونه تلفظ می‌کند.

همچنین با هم کلاسی خود مباحثه کند؛ یعنی برای یکدیگر بخوانند و اشکالات یکدیگر را اصلاح کنند.

دانش آموز می‌تواند قرائت نماز و قرآن خود را ضبط کند و با استماع آن، قرائت خود را بررسی کند، تا متوجه شود که هر حرف را چگونه تلفظ می‌کند.

۶ تَلْفُظ طَا

حرف ط در فارسی به صدای ت ادا می‌شود، ولی در قرائت قرآن باید درشت و پر از گلو تلفظ گردد.

طا : درشت و پر، از گلو

تدریس از استماع فراز قرآنی آغاز می‌گردد، سپس تلفظ طا به صورت سؤال با ت مقایسه و نمایش داده می‌شود: ت یا ط؟ صِراط یا صِراط؟
این حرف نیز کم استعمال است؛ در سورة حمد دو جمله دارای طا است که حرف ت هم در آنها به کار رفته است:

کلمه	جمله
صِراط	إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
أَعْطَيْنَاكَ	إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ
مَطْلَعِ	سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ

حروف درشت با تکیه بر گلو تلفظ می‌شوند؛ لذا در کتب علم قرائت گفته‌اند: «ریشه زبان بالا می‌آید» تا گلو منقبض شده و درشت تلفظ شود. مربیان باید توجه کنند که آموزش، آسان، همه فهم و بدون تکلف باشد.

۷ تلفظ ح

حرف ح در فارسی مانند ه ادا می‌شود، ولی در قرائت قرآن، به صورت غلیظ از ته گلو تلفظ می‌گردد.

ح: غلیظ، از ته گلو

از قرآن آموزان می‌خواهیم به نحوه تلفظ ح دقت کنند و از آنها می‌پرسیم: ح به صورت معمولی مثل ه تلفظ می‌شود، یا غلیظ و از ته گلو ح؟
در این روش:

۱ از نحوه تلفظ ح سؤال می‌شود.

۲ تلفظ ح به گوش قرآن آموز رسانده می‌شود.

۳ تلفظ ح نمایش داده می‌شود.

۴ تلفظ ح با ه مقایسه می‌گردد.

برای تمرین و کسب مهارت، معلم می‌خواند و قرآن آموزان ابتدا به طور دسته جمعی سپس انفرادی با انتخاب معلم، یا داوطلبانه تکرار می‌کنند.

ابتدا نحوه تلفظ ح با ه به صورت سؤال مقایسه می‌شود: ه یا ح؟

کلمه	جمله
مُحَمَّد	أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
حَيَّ الْفَلَاحِ	حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الرَّحْمَنِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
أَحَدُ	قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
سُبْحَانَ بِحَمْدِهِ	سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ
حَمِيدُهُ	سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِيدُهُ
بِحَوْلِ	بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ
حَسَنَةً	رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
وَحْدَهُ	أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
رَحْمَتُهُ	وَرَحْمَتُهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ
الصَّالِحِينَ	وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

سپس تلفظ ح در قالب کلمه مقایسه می‌گردد :

هَيَّ يَا حَيَّ ؟

آن‌گاه تلفظ صحیح در قالب جمله تمرین می‌شود.

اولویت تمرین اذکار نماز یا سوره‌هایی است که در نماز تلاوت می‌شوند.

حرف ح در اذکار نماز زیاد به کار رفته است.

تمرین تلفظ، باید طوری باشد که تبدیل به مهارت شود و قرآن‌آموز بتواند همه حروف را درست تلفظ کند. می‌توان قرآن‌آموزان را گروه‌بندی کرد، تا اعضای هر گروه برای یکدیگر بخوانند. همچنین از شاگردان می‌خواهیم قرائت خود را ضبط کنند و ببینند آیا همه موارد ح را صحیح تلفظ کرده‌اند، یا در مواردی اشتباه شده است؟ باید تک‌تک موارد ح را دقت کنند و هر جمله‌ای را که درست ادا نشده، بازسازی نمایند.

۸ تلفظ عین

حرف عین در فارسی به صدای الفهمزه ادا می‌شود، ولی در قرائت قرآن، غلیظ از ته گلو تلفظ می‌گردد.

عین: غلیظ، از ته گلو

پس از استماع قرائت قاری و توجه دادن قرآن‌آموزان به تلفظ عین، می‌پرسیم:
عین معمولی تلفظ می‌شود، یا غلیظ؟
ع یا آ؟ آلی یا علی؟
حرف عین بسیار بُر استفاده است و در اذکار نماز، بسیاری از کلمات، دارای عین هستند. باید تمرین کافی شود، تا به مهارت تبدیل گردد.

کلمه	جمله
عَلِيًّا	أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ
عَلَى	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ
الْعَمَلِ	حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
الْعَالَمِينَ	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
نَعْبُدُ	إِيَّاكَ نَعْبُدُ
نَسْتَعِينُ	وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
الْعَظِيمِ	سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
سَمِعَ	سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ
الْأَعْلَى	سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ
أَقْعُدُ	يَحُولُ اللَّهُ وَقُوَّتِهِ أَقْوَمُ وَأَقْعُدُ
عَبْدُهُ	أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
عَلَيْكَ	السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ
عَلَيْنَا	السَّلَامُ عَلَيْنَا
عِبَادِ	وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
عَلَيْكُمْ	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

۹ و ۱۰ تلفظ غین و قاف

در فارسی هر دو حرف غین و قاف استفاده می‌شود، ولی در بسیاری موارد تلفظ آن‌ها جابه‌جا می‌گردد؛ مثلاً کلماتی مانند «عقب» و «مستقیم» معمولاً به صورت «غقب» و «مستغیم» خوانده می‌شود، ولی برعکس کلماتی مانند «مغرب» و «غدیر» به صورت «مقرب» و «قدیر» تلفظ می‌گردد. جابه‌جایی تلفظ حروف در قرائت قرآن، باعث تغییر در معنا می‌شود. مثلاً، کلمه «قَد» یعنی قطعاً، ولی «عَد» به معنای فرداست. کلمه «قامت»؛ یعنی برخاست، ولی «غامت» به معنای ابری شد.

اینک فرق غین و قاف چیست؟

غین نرم و قابل کشش است، ولی قاف محکم و غیر قابل کشش.
حرف غین کم استعمال است و در اذکار نماز کم استفاده شده است.

کلمه	جمله
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ	غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
أَسْتَغْفِرُ	أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ
أَغْنِي	مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ

در اذکار نماز قاف بیشتر از غین به کار رفته است؛ مانند :

در لهجه آذری، معمولاً قاف را گاف تلفظ می‌کنند.

برای تصحیح این تلفظ باید تأکید کرد که قاف از ته گلو تلفظ می‌شود.

کلمه	جمله
قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ	قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
الْمُسْتَقِيمِ	إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمِ
قُلْ	قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ
الْقَدِيرِ	إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
قِينَا	وَقِينَا عَذَابَ النَّارِ
قُوتِهِمْ أَقْوَمُ أَقْعُدْ	يَحُولِ اللَّهُ وَقُوتِهِ أَقْوَمُ وَأَقْعُدْ

خلاصه تلفظ حروف

بنا بر آن چه گفته شد، تلفظ خاص هشت حرف عربی، معمولاً در فارسی استفاده نمی‌شود و دو حرف جابه‌جا می‌شود. مربی باید هر یک از این حروف را در یک جلسه مستقل آموزش دهد.

جدول تفاوت تلفظ حروف

سین	معمولی	ث	نوک زبانی
سین	معمولی	صاد	درشت و پراز گلو
ث	نازک، و زبان زیر دندان	صاد	درشت، و زبان پشت دندان
هـ	معمولی	ح	غلیظ از ته گلو
أ	معمولی	عین	غلیظ از ته گلو
عین	بدون دمش	ح	با دمش (يُحَهِ)
قاف	محکم و غیر قابل کشش	غین	نرم و قابل کشش
غین	بدون دمش	خ	با دمش (خروړه)
گاف	معمولی	قاف	از ته گلو
ت	معمولی	طا	درشت و پراز گلو
ز	معمولی	ذال	نوک زبانی
ز	معمولی	ظا	نوک زبانی درشت
ز	معمولی	ضاد	نوک زبانی درشت و محکم
ز	بدون دمش	سین	با دمش (صفیر)
ذال	نازک	ظا	درشت
ذال	نازک و نرم	ضاد	درشت و محکم
ذال	بدون دمش	ث	با دمش (نفث)
ظا	نرم	ضاد	محکم

جدول توضیح نحوه تلفظ حروف

ث	نوک زبانی، زبان بین دندان
صاد	درشت و پراز گلو
ذال	نوک زبانی، زبان بین دندان
ظا	نوک زبانی درشت
ضاد	نوک زبانی درشت و محکم
طا	درشت و پراز گلو
ح	غلیظ، از ته گلو
عین	غلیظ، از ته گلو
غین	نرم و قابل کشش
قاف	محکم و غیر قابل کشش از ته گلو

شیوه‌های تمرین تلفظ حروف

هدف اصلی آموزش تلفظ حروف خاص، این است که عموم مردم، بتوانند به راحتی آن را یاد بگیرند و با روشی آسان، کاربردی و اثربخش و بدون تکلف و وسواس، همواره کلمات و آیات قرآن را به طور صحیح بخوانند. ولی این مقدار از آموزش، به مهارت در خواندن نمی‌انجامد و قرآن آموز نمی‌تواند همواره این حروف را درست تلفظ کند. از این رو، برای اثربخشی کامل این آموزش و رسیدن به مهارت لازم، در حدی که تلفظ این حروف، جزئی از مهارت زبانی قرآن آموز شود و در نتیجه بتواند در قرائت نماز و قرآن به راحتی آن‌ها را ادا کند، نیاز به تمرین فراوان دارد.

باید تلفظ درست این حروف به طور مستمر شنیده و تکرار شود. از طرفی تمرین‌های یکنواخت و تکراری، خسته کننده و کم اثر است. از این رو، نیاز به تمرین‌های متنوع و اثربخش به میزان کافی، بسیار جدی است. بسیار مناسب است تمرین‌ها در دو بخش انجام می‌شود:

۱ تلفظ هر حرف در حالت انفرادی

۲ تلفظ هر حرف در قالب کلمه و جمله در آیات مورد نظر

در این بخش، چند نمونه تمرین پیشنهاد می‌گردد. معلم می‌تواند به تناسب مخاطب و وقت کلاس، این تمرین‌ها را اجرا نماید. باید بدانیم همواره، درس یک کلام است، ولی تکرار آن هزار بار.

الدَّرْسُ حَرْفٌ وَ التَّكْرَارُ أَلْفٌ

الف) تمرین تلفظ انفرادی حرف

برای تمرین حرف در حالت انفرادی، هشت شیوه زیر پیشنهاد می‌شود؛ و هر حرف با حرکات کوتاه، کشیده، تنوین، تشدید و ساکن توسط معلم خوانده می‌شود و قرآن‌آموزان تکرار می‌کنند، به ترتیب زیر:

۱ تلفظ تک تک

تلفظ حرف با هر حرکت کوتاه، به صورت تک تک، مانند:

ثُ	تَ	تُ	ثِ	تِ	تُ	ثَ	تِ	تُ
----	----	----	----	----	----	----	----	----

۲ تلفظ سه تایی

تلفظ حرف با هر حرکت کوتاه، به صورت سه بار؛ مانند:

ثُ ثُ ثُ	تِ تِ تِ	تُ تُ تُ	ثَ ثَ ثَ	تِ تِ تِ	تُ تُ تُ
----------	----------	----------	----------	----------	----------

۳ تلفظ سه تایی پیوسته

تلفظ حرف با هر حرکت کوتاه، به صورت سه بار پیوسته؛ مانند :

ثُثُثُ	ثُثُثُ	ثُثُثُ	ثُثُثُ	ثُثُثُ	ثُثُثُ
--------	--------	--------	--------	--------	--------

۴ سرود تک بخشی

تلفظ حرف با حرکات کوتاه، کشیده، تنوین و ساکن، ابتدا با لحن ساده، سپس به صورت آهنگین و با لحن مناسب حالت سرود؛ مانند :

اَ اَ اَ اَ اَ اَ	اَ اَ اَ اَ اَ اَ	اَ اَ اَ اَ اَ اَ	اَ اَ اَ اَ اَ اَ
-------------------	-------------------	-------------------	-------------------

هدف اصلی این تمرین، مهارت در تلفظ حرف مدّ نظر است.

ولی دو هدف دیگر را نیز در بر دارد :

۱ تمرین حرکات کوتاه، کشیده، تنوین و ساکن، و تقویت روخوانی

۲ تمرین صوت و لحن، و تنوع و زیبایی در تمرین

۵ سرود دو بخشی

تلفظ حرف با حرکات کوتاه، همراه با تشدید به شکل دو بار پیوسته؛ چون حرف مشدّد یک بار با حرف قبیلش به حالت ساکن، و بار دیگر با حرکت خود خوانده می شود؛ لذا باید تشدید با مقداری مکث و کشش تلفظ گردد.

ترکیبات حرف مشدّد با حرکات کوتاه، با فاصله خوانده می شوند؛ مانند :

اَ اَ اَ اَ اَ اَ	اَ اَ اَ اَ اَ اَ	اَ اَ اَ اَ اَ اَ	اَ اَ اَ اَ اَ اَ
-------------------	-------------------	-------------------	-------------------

ترکیبات حرف مشدّد همراه با حرکات کشیده، به طور متصل به هم خوانده می شوند تا کشیدگی منظور شود؛ مانند :

اَ اَ اَ اَ اَ اَ	اَ اَ اَ اَ اَ اَ	اَ اَ اَ اَ اَ اَ	اَ اَ اَ اَ اَ اَ
-------------------	-------------------	-------------------	-------------------

ب) تمرین تلفظ حرف در کلمه و جمله

■ کلمات و عبارات قرآنی توسط معلم خوانده می‌شود و قرآن‌آموزان تکرار می‌کنند، به ترتیب زیر:

- ۱ خواندن کلمه قرآنی دارای حرف مورد نظر به حالت ساده
 - ۲ خواندن جمله قرآنی دارای آن کلمه با لحن و به حالت ترتیل
 - ۳ ابتدا تمرین بر کلمات و عبارات نماز، سپس تمرین بر آیات درس
- در آموزش تلفظ حروف، گاهی از صوت و لحن استفاده می‌شود؛ مانند: سرود تک‌بخشی، سرود دویخشی، خواندن جملات قرآن با قرائت ترتیل.

■ شیوه استماع و قرائت توسط شاگردان می‌تواند به شرح زیر باشد:

- ۱ استماع و خط بری
 - ۲ هم‌خوانی با استاد یا قرائت الگو (زمزمه هم‌زمان با قرائت الگو)
 - ۳ گوش‌دادن و تکرار بعد از قرائت الگو
- مربی در کلاس می‌تواند فردخوانی و جمع‌خوانی را به صورت جداگانه یا تلفیقی اجرا کند. باید در طرح درس، هم درس بدھیم و هم درس را تحویل بگیریم.

■ از این‌رو، الگوی زیر برای طرح درس قرائت پیشنهاد می‌شود:

- ۱ پیش‌خوانی در گروه، یعنی قرآن‌آموزان برای یکدیگر بخوانند.
 - ۲ استماع قرائت یک قاری یا مربی؛ و زمزمه کردن هم‌زمان یا بعد از آن.
 - ۳ فردخوانی هر قرآن‌آموز یک جمله و رفع اشکال هر یک توسط مربی.
- برای آموزش تلفظ حروف و تمرین آن، مربی باید قبل از رفتن به کلاس، وسایل آموزشی را آماده کند؛ مانند: تابلو، لوح فشرده، پاورپوینت و...

■ خوب است سه تمرین زیر همواره به قرآن‌آموزان توصیه شود:

- ۱ استماع و اتباع: یعنی گوش‌دادن و پیروی از قرائت معتبر و الگو
- ۲ آینه قرائت: یعنی ضبط کردن قرائت خود و گوش‌دادن به آن، تا خود فرد به اشکال خود پی ببرد.
- ۳ مباحثه قرائت: یعنی قرآن‌آموزان گروه‌بندی شده، تا برای هم بخوانند و اشکالات یکدیگر را تصحیح کنند. در گروه‌بندی بهتر است قرآن‌آموز قوی با ضعیف هم‌گروه شود. تا شاگرد قوی به ضعیف کمک کند.

■ تمرین قرائت

- ۱ استماع و پیروی از قرائت الگو
- ۲ آینه قرائت، ضبط و استماع قرائت خود
- ۳ مباحثه قرائت، خواندن برای هم‌شاگردی



قواعد نون ساکن

درس ۴

از نظر فصاحت و تجوید، نون ساکن و تنوین، سه حالت دارد :

۱ نزد شش حرف حلقی (أ ح خ ع غ هـ) اظهار، یعنی معمولی ادا می‌شود.

۲ نزد دو حرف (ر ل) ادغام، یعنی به حرف بعدی تبدیل می‌گردد.

۳ نزد بیست حرف ما بقی، به صورت کشیده در حرف بعدی ادا می‌شود.

■ **تذکر:** نون ساکن در کلمات «الدُّنْیَا وَبُنْیَانُ» که نزد ی، با هم در کلمه قرار گرفته‌اند، از قاعده مستثنا بوده و به‌طور معمولی تلفظ می‌شود.

نون ساکن در کلمات «صِنَوَانٌ وَ قِنَوَانٌ» نیز نزد واو که با هم در کلمه قرار گرفته است، به‌طور معمولی تلفظ می‌شود.

■ **کشش‌های نون ساکن موارد آن عبارت‌اند از :**

۱ نون ساکن و تنوین، نزد بیست حرف ما بقی، کشیده خوانده می‌شود.

۲ نون مشدّد و میم مشدّد کشیده خوانده می‌شوند.

۳ میم ساکن نزد میم و ب، کشیده خوانده می‌شود.



فصاحت لفظ جلاله «الله»

درس ۵

لام لفظ جلاله الله، از نظر فصاحت و تجوید، دو حالت دارد :

■ **حالت اول:** لام الله بعد از — یا —، تغلیظ می‌شود؛

مانند: اللَّهُ اللَّهُمَّ إِلَّا اللَّهُ هُوَ اللَّهُ رَسُولُ اللَّهِ وَلِيُّ اللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

■ **حالت دوم:** لام الله بعد از —، ترفیق می‌شود؛

مانند: أَعُوذُ بِاللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِحَوْلِ اللَّهِ عِبَادِ اللَّهِ



موارد تفخیم حرف «راء»

درس ۶

حرف «راء» معمولاً درست تلفظ می‌شود، ولی از نظر تجوید دو حالت دارد:

■ **حالت اول:** همراه با حرکات ـَ ـُ ـِ ـ - و درشت ادا می‌شود.

در اصطلاح تجوید، به درشت تلفظ کردن «تَفْخِيم» می‌گویند؛

مانند: رَبِّ اسْتَغْفِرْ شَرًّا خَيْرٌ صِرَاطٌ وَالزَّوْجُ

■ **حالت دوم:** همراه با حرکات ـِ ـِ - سی نازک و ظریف ادا می‌شود.

در اصطلاح تجوید، به نازک تلفظ کردن «تَرْقِيق» می‌گویند؛

مانند: غَيْرِ بَحْرِ شَرِيكَ أَمْرِي

راء ساکن، یعنی بدون حرکت، نیز دو حالت دارد:

در موارد زیر تفخیم می‌شود^۱:

۱ راء ساکن بعد از ـَ و ـُ ؛

مانند: تَرْمِيهِمْ وَأَنْخَرُ يُرْسَلُ قُرْآنُ

۲ راء ساکن بعد از ـِ و قبل از حروف درشت، در یک کلمه؛

مانند: قِرْطَاسٍ فِرْقَةٍ إِرْصَادًا مِرْصَادًا لِبَا لِمِرْصَادٍ

۳ راء ساکن بعد از ـِ و الف وصل؛ مانند:

إِرْجِعِي رَبِّ ارْجِعُونِ رَبِّ ارْحَمْهُمَا إِنَّ ارْتَبْتُمْ لِمَنِ ارْتَضَى

۴ راء مکسور بعد از ـَ ـُ ـِ - و که در وقف ساکن می‌شود؛ مانند:

بِسْحَرٍ	←	بِسْحَرٍ	نُدْرٍ	←	نُدْرٍ
وَالْعَصْرِ	←	وَالْعَصْرِ	خُسْرٍ	←	خُسْرٍ
عَذَابِ النَّارِ	←	عَذَابِ النَّارِ	نُورٍ	←	نُورٍ

۱- دقت شود که در موارد تفخیم راء، از جمع شدن لبها خودداری شود تا مانند «واو» تلفظ نگردد.

و در موارد زیر ترقیق می‌شود :

۱) راء ساکن بعد از — ؛ مانند : وَاسْتَغْفِرُهُ فَاصْبِرْ

۲) راء مفتوح و مضموم بعد از — - ی که در وقف ساکن می‌شود؛ مانند :

قُدِرَ	←	قُدِرَ	←	مُسْتَقِرٌّ	←	مُسْتَقِرٌّ
يَسِيرٌ	←	يَسِيرٌ	←	ذِكْرٌ	←	ذِكْرٌ
خَيْرٌ	←	خَيْرٌ	←	السَّيَرِ	←	السَّيَرِ

۳) در کلمه « مَجْرِيهَا » در آیه ۴۱ سورة مبارکه هود؛ راء با الف مقصوره‌ای که به صورت کسره کشیده خوانده می‌شود نیز ترقیق می‌شود.



وقف بر جمله

درس ۷ و ۸

در صحت قرائت، شایسته است هر جمله در آیات قرآن منعقد گردد و کلمات هر جمله، متصل به هم خوانده شود؛ جدا کردن کلمه از جمله خود و وصل آن به جمله دیگر، اشتباه در صحت قرائت است. اگر به اشتباه در وسط جمله وقف شود، یا کلمه‌ای از یک جمله جداگشته و با جمله بعدی خوانده شود، معنا عوض شده و جملات و عبارات قرآن ضایع می‌گردد و این اشکال گاهی از غلط اعرابی سنگین‌تر است. مثلاً اگر آیه آخر سورة حمد به این صورت خوانده شود :

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ / عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ / عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

کلمات هر جمله با جمله دیگر مخلوط شده و این عبارت که کلام بلند الهی است، ضایع می‌شود. باید کلمات هر جمله با همان جمله خوانده شود :

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ / غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ / وَلَا الضَّالِّينَ

بنابراین، جملات قرآن باید متناسب با معنا و درست منعقد شوند. می‌توان جمله‌خوانی را مبنای آموزش سطح مقدماتی قرائت قرار داد؛ یعنی هر جمله در یک سطر قرار گیرد تا جداگانه به‌طور مستقل خوانده شود. این ساده‌ترین آموزش وقف است، ولی وقتی جمله‌ها در صفحه معمولی قرآن، پشت سرهم باشند، وقف بر جمله مشکل‌تر می‌شود. باید شناسایی جمله‌ها و وقف بر هر جمله را به روش آسان آموزش داد. موضوع وقف بر جمله، از مباحثی است که کمتر به آن توجه شده است.

سطوح آموزش وقف		
آموزش عمومی ^۱	سطح یک	تقطیع آیات، هر جمله در یک سطر
	سطح دو	شماره در انتهای آیه: - - - - () علائم وقف بالای کلمات: ' - - - - ' - - - - کلمات اول جمله: وَ. - ف. - ثُمَّ -
آموزش تخصصی	سطح سه	وقف و ابتدای اولی و زیبا بر اساس معنا انتخاب بهترین محل وقف، ابتدا و وصل
	سطح چهار	مباحث تخصصی علم وقف و ابتدا وقف تام، کافی، حسن و...

■ سطح اول وقف

در این سطح، آیات تقطیع شده و هر جمله آن در یک سطر قرار می‌گیرد و حرکت آخر هر جمله به‌صورت متمایز (مثلاً رنگی) می‌باشد. قرآن‌آموز آخر هر سطر وقف می‌کند و حرکت رنگی را نمی‌خواند. با این روش، هم محل وقف آسان شده و هم با متمایز و رنگی شدن حرکات ناخوانای آخر جمله، حالت وقف مشخص می‌گردد.

سطح اول آموزش وقف: قراردادن هر جمله در یک سطر

۱- از معلمان گرامی، این سطح از آموزش انتظار می‌رود.

نمونه‌ای از خط آموزشی سوره مبارکه عصر در کتاب‌های آموزش قرآن مدارس که آیات تقطیع شده و هر جمله در یک سطر قرار گرفته است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱ وَالْعَصْرِ

۲ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

۳ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ

وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

■ سطح دوم وقف

در این سطح، از متن قرآن کامل، استفاده شده و سه نوع علامت برای وقف کردن آموزش داده می‌شود:

۱ شماره آیه که در اکثر مصاحف، در انتهای آیه است: ()

۲ علائم وقف که به شکل حروف ریز بالای کلمات قرار دارد؛ مانند:

..... ‘ ’ » < >

در این سطح، توضیح درباره تفاوت این علائم وقف، ضرورتی ندارد. فقط به قرآن آموز گفته می‌شود که این علائم برای وقف است، و روی هر کدام از آن‌ها باید توقف کند.

۳ مواضع وقف در آیاتی که دارای چند جمله بوده، ولی فاقد علامت وقف‌اند، به روش آسان آموزش داده می‌شود؛ یعنی همانند علائم وقف، کلمات اول جمله که نیاز به درک و فهم آیات ندارد آموزش داده می‌شود؛ مانند:

و..... فَ..... ثُمَّ..... أَوْ..... إِنَّ..... إِنَّا.....

■ علائم وقف

شماره آیه ()
حروف ریز بالای کلمات ‘ ’ » < >
کلمات اول جمله	و..... فَ..... ثُمَّ..... أَوْ..... إِنَّ..... إِنَّا.....

در این دو سطح آموزش وقف که برای مبتدیان و آموزش عمومی است، باید برنامه‌ریزی شود تا هر جمله حتماً جداگانه و به صورت عبارت کوتاه خوانده شود و از فوائد زیر بهره‌مند شویم:

- ۱ آسان‌شدن خواندن قرآن
- ۲ یادگیری آسان وقف و ابتدا
- ۳ زمینه‌سازی برای درک و فهم آسان
- ۴ انعقاد و شکل‌گیری هر جمله از آیات قرآن
- ۵ هموارشدن درست‌خواندن و کم‌شدن اشتباهات

■ فوائد کوتاه خواندن عبارات قرآن و وقف بر هر جمله:

- | | | |
|-----------------------|-----------------------|-------------------|
| ۱ آسانی خواندن | ۲ کمی اشتباهات | ۳ آسانی درک و فهم |
| ۴ یادگیری وقف و ابتدا | ۵ انعقاد هر جمله قرآن | |

سطوح سه و چهار که مربوط به وقف و ابتدای اولی و زیبا بوده و براساس معنای کامل آیات است، برای انتخاب بهترین محل وقف، ابتدا، وصل، شروع و ختم قرائت، و مباحث تخصصی علم وقف و ابتدا مطرح می‌شود، مانند وقف تام، کافی، حسن و... که مربوط به آموزش تخصصی بوده، و موضوع این کتاب نیست.

کوتاهی و کشیدگی حرکات

سومین مؤلفه صحت قرائت، کوتاهی حرکات َ ِ ُ و کشیدگی حرکات - ل - ی - و است، و همراه با تلفظ حروف تدریس می‌شود.

حرکات کوتاه و کشیده در کلاس اول دبستان آموزش داده می‌شود، ولی در فارسی مقید به اندازه کشش آن نیستیم. ممکن است حرکات کوتاه را کشیده، یا حرکات بلند را کوتاه بخوانیم. این کار در فارسی اشکالی ندارد؛ و در معنا تغییری پیش نمی‌آید.

ولی اگر این جابه‌جایی کشش حرکات در قرائت قرآن صورت بگیرد، معمولاً معنا تغییر می‌کند؛ یعنی کشیده خواندن صداهای کوتاه، یا کوتاه خواندن صداهای کشیده، موجب تغییر معنا می‌گردد. در زبان فارسی، حالت صدا مهم است، نه کشیدگی آن؛ مانند صدای:

ا و آ ا و ای ا و او

ولی در زبان عربی میزان کشش حرکت، اهمیت دارد، نه حالت صدا، اگر ا ا کشیده شود، به صداهای آ ای او تبدیل می‌گردد.

مثلاً اگر َ در کلمه «قَالَ» به صورت کشیده خوانده شود، به «قالا» تبدیل می‌گردد؛ یعنی کلمه مفرد به مثنی تبدیل می‌شود؛ و برعکس اگر -و در کلمه «يَقُولُوا» کوتاه خوانده شود، به «يَقُولُ» تبدیل می‌گردد؛ یعنی کلمه جمع به مفرد تبدیل می‌شود.

قَالَ : گفت (مفرد)	با کشش فتحه می‌شود	قالا : گفتند (مثنی)
قالا : گفتند (مثنی)	با کوتاهی الف می‌شود	قالَ : گفت (مفرد)
يَقُولُ : می‌گوید (مفرد)	با کشش ضمه می‌شود	يَقُولُوا : می‌گویند (جمع)
يَقُولُوا : می‌گویند (جمع)	با کوتاهی واو می‌شود	يَقُولُ : می‌گوید (مفرد)

البته منظور از صحت قرائت حرکات، تلفظ آن‌ها به لحن و لهجه عربی نیست؛ بلکه فقط رعایت کوتاهی و کشیدگی آن‌هاست.

کوتاهی و کشیدگی اکثر حرکات در گویش فارسی خود به خود درست خوانده می‌شود، ولی گاهی حرکت کوتاه، به ویژه در آخر کلمه، کشیده می‌شود، یا حرکت کشیده کوتاه می‌گردد.

برای کوتاه خواندن حرکات کوتاه، به ویژه در آخر کلمه، باید از روی آن‌ها سریع رد شویم، و کلمات را متصل به هم تلفظ کنیم؛ چون کلمات هر جمله مانند حلقه‌های زنجیر، باید متصل به هم خوانده شود.

مثلاً در ذکر **اللَّهُ أَكْبَرُ** نباید ضمه **اللَّهُ** کشیده شود؛ یعنی :

نباید بخوانیم **اللَّهُ أَكْبَرُ**؛ کلمات هر جمله باید به هم وصل شود و حرکات کوتاه آخر کلمه، کشیده نشود.

مثلاً در ذکر **الْحَمْدُ لِلَّهِ** نیز باید ضمه دال سریع خوانده شود و کلمه **الْحَمْدُ** به **لِلَّهِ** وصل گردد. سایر

موارد نیز این گونه است.

■ اصلاح کشیده خواندن حرکت کوتاه

۱ سریع رد شدن از حرکت کوتاه

۲ وصل کردن کلمه به کلمه بعدش

متقابلاً صدای کشیده، نباید کوتاه خوانده شود. برای این منظور، باید حرکت کشیده (حرف مدّی) با مقداری کشش تلفظ شود، تا کشیدگی منعقد گردد، به ویژه در آخر جمله.

مؤثرترین روش برای درست خواندن کوتاهی و کشیدگی حرکات، تمرین با قرائت قاریان معتبر است؛ مانند

قرائت تحقیق و ترتیل عبدالباسط، حصری، منشای، پرهیزکار و... تا قرائت خود به خود منظم شود.

استماع، همانندسازی و پیروی از قرائت الگو و مطابق الگو خواندن، مهم‌ترین تمرین است.



فصاحت حرکات

درس ۹

در بخش صحت قرائت بیان شد که حرکات از نظر کوتاهی و کشیدگی چگونه تلفظ می‌شوند. اینک از نظر فصاحت و تجوید چه ویژگی‌هایی دارد؟
در این قسمت، فصاحت و لحن عربی هر یک از حرکات را بررسی می‌کنیم:

■ فصاحت حرکات کوتاه

۱ فتحه

از نظر فصاحت و تجوید، دو حالت دارد:
با هشت حرف (حَ رَ صَ طَ ظَ عَ قَ) به صورت آ، ولی کوتاه تلفظ می‌شود؛ یعنی به حالت درشت و به اصطلاح تجوید تفخیم می‌گردد؛ مانند:
خَيْرٌ رَبِّ صَلَّ صَلَّ صِرَاطُ ظَهَرَ غَيْرٌ قَدْ
ولی با بیست حرف ما بقی به طور معمولی ادا می‌شود.

۲ کسره

از نظر فصاحت و تجوید، به صورت ای، ولی کوتاه تلفظ می‌شود؛ مانند:
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلِئِلَّهِ خَيْرِ الْعَمَلِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ
إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

۳ ضمه

از نظر فصاحت و تجوید، به صورت او، ولی کوتاه تلفظ می‌شود؛ مانند:
اللَّهُ أَشْهَدُ رَسُولُ وَلِئِ أَعُوذُ الْحَمْدُ نَعْبُدُ

■ فصاحت حرکات کشیده

با توجه به این که صداها کشیده معمولاً به شکل حروف نوشته می‌شوند، به آن‌ها حروف مدّی می‌گویند.

۱ الف مدّی

از نظر فصاحت و تجوید، مانند فتحه دو حالت دارد:
با بیست حرف: آ با تا ثا جا حا دا ذا زا سا شا عا فا کا لا ما نا وا ها یا

به صورت —، ولی کشیده تلفظ می‌شود؛ یعنی نازک و ترقیق می‌گردد؛ مانند :

أَمَّنْ بَارَكَ تَابَ ثَالِثُ جَاعِلٌ سُبْحَانَ دَانٍ ذَلِكَ زَاهِقٌ سَارَ شَاهِدٌ أَلْعَالَمِينَ
فَاطِرٌ كَانَ أَلْسَلَامٌ مَالِكٍ إِنَّا أَوَابٌ إِنَّهَا إِيَّاكَ

ولی با هشت حرف (خا را صا ضا طا ظا غا قا) به طور معمولی تلفظ می‌شود.
همچنین از نظر تجوید، در مواردی که علامت مد (—) روی الف قرار می‌گیرد، کشش آن به میزان دو تا سه برابر افزایش می‌یابد؛ مانند :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ لَا الضَّالِّينَ

۲ یاء مدّی

به طور معمولی تلفظ می‌شود، ولی از نظر تجوید، در مواردی که علامت مد (—) روی یاء قرار می‌گیرد، کشش آن به میزان دو تا سه برابر افزایش می‌یابد؛ مانند :

سَيِّءٌ جِيءٌ تَفِيءٌ

۳ واو مدّی

نیز به طور معمولی تلفظ می‌شود، ولی از نظر تجوید، در مواردی که علامت مد (—) روی واو قرار می‌گیرد، کشش آن به میزان دو تا سه برابر افزایش می‌یابد؛ مانند :

سَوَّءٌ تَبَوَّأٌ تَأْمُرُونِي

■ خلاصه فصاحت حرکات

۱ از نظر صحت قرائت، حرکات شش نوع متعارف است : سه حرکت کوتاه و سه حرکت کشیده؛ ولی از نظر فصاحت و تجوید و لحن عربی، هشت نوع است : حرکات کوتاه، چهار نوع می‌باشد؛ زیرا فتحه دو حالت درشت و نازک دارد. حرکات کشیده نیز چهار نوع است؛ چون الف مدّی دو حالت نازک و درشت دارد.

۲ تلفظ فصیح چهار نوع از این حرکات، مانند فارسی است، که عبارت‌اند از : فتحه با بیست حرف، الف مدّی با هشت حرف، یاء مدّی و واو مدّی.

ولی تلفظ فصیح چهار نوع دیگر حرکات، با حالت فارسی تفاوت دارد؛ یعنی فتحه با هشت حرف، کسره و ضمه با همه حروف و الف مدّی با بیست حرف.

۳ اگر فصاحت در تلفظ حرکات رعایت نشود، قرائت درست است، ولی با لحن فارسی؛ اما اگر فصاحت رعایت گردد، قرائت به لحن عربی، زیباتر و شیواتر می‌شود و فضیلت بیشتری دارد.

۴ باید بیشتر به مهارت‌های عملی فصاحت و تجوید در قرائت بپردازیم؛ مؤثرترین تمرین، استماع و پیروی از قرائت معتبر و زیبا، به طور مستمر و همه روزه است؛ و این گام اصلی و اساسی است.

حرکات مشترک با فارسی		حرکات فصیح	
۱	فتحه معمولی با بیست حرف	۱	الف مدّی با بیست حرف
۲	الف مدّی معمولی با هشت حرف	۲	فتحه با هشت حرف
۳	یاء مدّی معمولی	۳	کسره
۴	واو مدّی معمولی	۴	ضمه



فصاحت الف مدّی

درس ۱۰

از نظر فصاحت و تجوید، الف مدّی مانند فتحه دو حالت دارد :

الف) با ۲۰ حرف

«آ با تا ثا جا حا دا ذا زا سا شا عا فا کا لا ما نا وا ها یا» به صورت — ولی کشیده تلفظ می‌شود؛ یعنی نازک و ترفیق می‌گردد؛
مانند :

أَمَّنْ بَارَكَ تَابَ ثَالِثُ جَاعِلٌ سُبْحَانَ دَانَ ذَلِكَ زَاهِقٌ سَارَ شَاهِدُ الْعَالَمِينَ
فَاطِرٌ كَانَ السَّلَامُ مَالِكِ إِنَّا أَوَابُ إِنَّهَا إِيَّاكَ

ب) با هشت حرف

«خا را صا ضا طا ظا غا قا» به طور معمولی تلفظ می‌شود.
همچنین از نظر تجوید، در مواردی که علامت مد (—) روی الف قرار می‌گیرد، کشش آن به میزان دو تا سه برابر افزایش می‌یابد؛

مانند : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ
إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ لَا الضَّالِّينَ



قلقله

درس ۱۱

در اصطلاح تجوید، تکان کوچک به حرف ساکن را قلقله می‌گویند.
پنج حرف ساکن دارای قلقله عبارت‌اند از: ب ج د ط ق

■ تذکر: ۲۳ حرف ساکن ما بقی، قلقله ندارند و نباید تکان داده شوند، به ویژه چهار حرف ساکن: الف همزه، ت، ضاد و کاف.
■ تمرین: در جداول زیر موارد قرمز رنگ را که حرف ساکن نام دارند با قلقله بخوانید.

حروف ساکن بعد از فتحه

آء أَبَاتِ أَثَاجَ أَحَ أَخَ	آءَ أَذَ آرَ أَزَ أَسَ أَشَ أَصَ
أَضَ أَطَ أَظَ أَعَ أَغَ أَفَ أَقَ	أَكَ أَلَ أَمَ أُنَ أَوْ أَهَ أَى

حروف ساکن بعد از کسره

إِءَ إِبَاتِ إِثَ إِجَ إِحَ إِخَ	إِدَ إِذَ إِرَ إِزَ إِسَ إِشَ إِصَ
إَضَ إِطَ إِظَ إِعَ إِغَ إِفَ إِقَ	إَكَ إِلَ إِمَ إُنَ إَوْ إَهَ إِی

حروف ساکن بعد از ضمه

أُءَ أُبَاتُ أُثُ أُجُ أُحُ أُخُ	أُدُ أُذُ أُرُ أُزُ أُسُ أُشُ أُصُ
أَضُ أُطُ أُظُ أُعُ أُغُ أُفُ أُقُ	أَكُ أُلُ أُمُ أُنُ أُوُ أُهَ أُی

■ تمرین : حروف ساکن قرمز رنگ، با قلقله ادا شود.

آءِ ءِءِ	آبِ اِبِ اُبِ	آتِ اِتِ اُتِ	آثِ اِثِ اُثِ
أَجِ اِجِ اُجِ	أَحِ اِحِ اُحِ	أَخِ اِخِ اُخِ	أَدِ اِدِ اُدِ
أَذِ اِذِ اُذِ	أَرِ اِرِ اُرِ	أَزِ اِزِ اُزِ	أَسِ اِسِ اُسِ
أَشِ اِشِ اُشِ	أَصِ اِصِ اُصِ	أَضِ اِضِ اُضِ	أَطِ اِطِ اُطِ
أَظِ اِظِ اُظِ	أَعِ اِعِ اُعِ	أَغِ اِغِ اُغِ	أَفِ اِفِ اُفِ
أَقِ اِقِ اُقِ	أَكِ اِكِ اُكِ	أَلِ اِلِ اُلِ	أَمِ اِمِ اُمِ
أَنِ اِنِ اُنِ	أَوْ اَوِ اُوِ	أَهِ اِهِ اُهِ	أَيِ اِیِ اُیِ



بخش دوم

علوم و معارف قرآنی

راهنمای تدریس بخش علوم و معارف قرآنی

مقدمه

قرآن کریم، بهترین راهنمای زندگی انسان‌ها است و همه ما را به سوی سعادت حقیقی و بهشت برین الهی هدایت می‌کند. از این رو شایسته است هر مسلمان در حد توان و شرایط، در پیشگاه این کتاب الهی حضور یافته و برنامه زندگی خود را از آن دریافت نماید. این مسئله برای دانش‌آموزان رشته علوم و معارف اسلامی، به دلیل اقتضائات خاص رشته و علائق ویژه دانش‌آموزان به انس با این کتاب آسمانی، به ویژه در این دوره زندگی (نوجوانی و جوانی) ضرورت دو چندان می‌یابد. امام صادق (ع) در روایتی می‌فرمایند:

«هر جوان مؤمنی که قرآن بخواند (و با آن انس بگیرد)، قرآن با گوشت و خونس درمی‌آمیزد و خداوند او را با فرشتگان بزرگوار که نویسندگان و حاملان قرآنند هم‌نشین می‌کند. قرآن نیز در قیامت حافظ و نگهبان او خواهد بود.»^۱

دانش‌آموزان در طول تحصیل در رشته علوم و معارف اسلامی، دروس گوناگونی با محوریت قرآن مطالعه می‌کنند که در این میان کتاب علوم و معارف قرآنی با ایجاد پیوند میان «علوم قرآن» و «معارف قرآن» از یک سو و تشویق دانش‌آموزان به فهم روش‌مند کتاب آسمانی دین اسلام بر مبنای دانش «علوم قرآن» از سوی دیگر، جایگاهی مهم به خود اختصاص می‌دهد.

۱- موضوعات و مفاهیم اساسی برنامه

برنامه درسی «علوم و معارف قرآنی» در طول یک برنامه سه‌ساله، با رسالت انس بیشتر و عمیق‌تر دانش‌آموزان رشته با قرآن تدوین گردیده و اهداف زیر را در قالب یک جلسه دو ساعته در هفته، از سال دهم تا دوازدهم دنبال می‌کند:

الف) آموزش مباحث فصاحت و تجوید قرآن

ب) قرائت و تمرین مستمر روخوانی و روان‌خوانی قرآن

ج) حفظ سوره‌های جزء سی‌ام قرآن کریم
 د) آموزش مباحث علوم قرآنی به عنوان زیربنای فهم
 هـ) آموزش معارف قرآنی با موضوع «انسان‌شناسی در قرآن»؛ مبتنی بر آراء تفسیری علامه طباطبائی
 و) تمرین تدبر و فهم آیات قرآن مبتنی بر چهار اصل (لغت‌شناسی، ادبیات عرب، درک سیاق و تفسیر قرآن به قرآن)

۲- پراکندگی تقریبی موضوعات و مفاهیم در کتاب‌های سه پایه

سرفصل‌ها	کتاب‌ها	کتاب پایه دهم	کتاب پایه یازدهم	کتاب پایه دوازدهم
الف	آموزش مباحث تجوید و تمرین قرائت	۷۰ درصد	۲۰ درصد	۵ درصد
ب	حفظ جزء سی‌ام	۱۰ درصد	۱۰ درصد	---
ج	آموزش علوم قرآنی	۲۰ درصد	۶۰ درصد	---
د	آموزش معارف قرآنی و تمرین تدبر و فهم آیات	---	۱۰ درصد	۹۵ درصد

۳- رویکرد کلی حاکم بر برنامه

در این برنامه سعی شده است محتوایی که به دانش‌آموزان ارائه می‌شود :

اولاً کاربردی باشد؛ به این معنا که در بیان مباحث مربوط به فصاحت و تجوید، از ارائه قواعد سنگین و پیچیده تجویدی اجتناب شده و تنها ناظر به خروجی مورد نظر از تجوید، مباحث ارائه شده‌اند و در بیان مباحث علوم قرآن، نیز آن دسته از علوم قرآن انتخاب شده‌اند که کاربرد آن‌ها در فهم آیات به صورت کاربردی برای دانش‌آموزان ملموس باشد. بر همین اساس، از بیان اختلاف نظرات علماء پیرامون مسائل نیز اجتناب شده است.

ثانیاً قابل درک بوده و ایجاد شبهه ننماید؛ بدین منظور به عنوان نمونه، در ذیل مباحث علوم قرآن، آن دسته از علوم قرآنی انتخاب شده‌اند که بتوان آن‌ها را به زبان ساده برای دانش‌آموزان تبیین نمود و نیز بیان آن موضوعات، برای ایشان ایجاد شبهه ننماید. لذا طرح مباحثی چون تأویل، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و... از دستور کار خارج گردید.

ثالثاً علمی و مبتنی بر آراء صاحب نظران شناخته شده باشد؛ مباحث کتاب، هر چند با زبان ساده و قابل درک برای دانش آموزان مطرح شده است، اما این به معنای کاستن از دقت و سطحی نگری در بیان محتوا نیست و محتوا مبتنی بر نظر بزرگانی چون آیت الله معرفت و علامه عسکری (در بخش علوم قرآنی) و علامه طباطبائی (در بخش معارف قرآنی) ارائه شده است. البته در این میان از درسنامه ها و سایر کتب موجود برای تبیین دقیق تر مسائل بهره برده شده است.

رابعاً به صورت کاملاً تعاملی میان دبیر و دانش آموزان ارائه گردد؛ با بررسی این کتاب ها می بینیم، بخش قابل توجهی از محتوا و اهداف دروس در قالب تمارین کلاسی با عنوان «فعالیت کلاسی» یا «تدبر قرآنی» به دانش آموزان منتقل می گردد. این فعالیت ها، بستر ورود مستقیم دانش آموزان به تبیین محتوای درس زیر نظر دبیر می باشد و محتوا را در قالب تعامل میان آن ها و دبیر منتقل می نماید. این امر نه تنها سطح مشارکت دانش آموزان را در کلاس افزایش می دهد، بلکه موجب می گردد ایشان خود کاربردی بودن مباحثی که آموخته اند را درک کنند.

۴- تدریس و ارزشیابی برنامه

با توجه به اینکه محتوای هر یک از این کتاب های سه پایه، با یکدیگر متفاوت بوده و هر کتاب، بیان مفاهیم و موضوعات خاصی را دنبال می کند، از این رو روش تدریس و ارزشیابی کتاب ها با یکدیگر متفاوت است. مقدمه هر یک از این کتاب ها در قالب «سخنی با دبیر محترم»، نکاتی کلی جهت تدریس و نیز ارزشیابی محتوا جهت اطلاع همکاران و دانش آموزان ارائه می نماید. لازم به ذکر است از آنجائیکه میان محتوا و مطالب این کتاب ها ارتباط و به هم پیوستگی خاصی وجود دارد، ضروری است تا همکاران محترم به هنگام تدریس یک کتاب، نسبت به محتوای ارائه شده در کتاب های پیشین و پیش دانسته های دانش آموزان در این خصوص آگاهی کافی داشته باشند.

همچنین جهت صرفه جویی در وقت، بهتر است دانش آموزان را گروه بندی نمود تا ایشان در قالب مشارکت و گفت و گوی گروهی به پاسخ برسند. فقط دو نکته در گروه بندی حائز اهمیت است:

- دانش آموزان قوی تر کنار دانش آموزان ضعیف تر قرار گیرند و توازن از این جهت رعایت گردد؛ تا در این فرایند دانش آموزان همگی رشد کنند.
- در هر مرحله، به صورت چرخشی یکی از دانش آموزان سخنگوی گروه باشد و پاسخ ها را مطرح کند، تا توانایی بیان همه دانش آموزان رشد کند.

راهنمای تدریس درس به درس بخش علوم و معارف قرآنی پایه دهم

فصل دوم

■ سیر محتوای آموزش علوم قرآنی در کتاب علوم و معارف قرآنی (۱)؛ پایه دهم متوسطه در کتاب علوم و معارف قرآنی پایه دهم، قرآن ابتدا از زبان خود قرآن و سپس از زبان بهترین مفسران آن (اهل بیت) در قالب درس‌های «صفات قرآن» و «قرآن و اهل بیت» برای دانش‌آموزان معرفی می‌شود. سپس علوم مرتبط به نزول قرآن در پنج درس مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ابتدا به «نزول تدریجی قرآن» بر قلب پیامبر و حکمت‌های آن اشاره شده و سپس مفهوم و برخی مصادیق «اسباب نزول قرآن» و «سوره‌های مکی و مدنی» تبیین می‌گردد. آیات و سوره‌های نازل شده در مکه و مدینه توسط کاتبان وحی، مکتوب می‌گردید که کیفیت آن در درسی با عنوان «کتابت قرآن» به صورت مختصر توضیح داده شده است. درس بعدی نیز به تبیین فلسفه «نزول قرآن به زبان عربی» پرداخته است تا مقدمه‌ای برای بیان این نکته باشد که قرآن به زبانی قابل فهم برای همگان نازل شده تا همگان از نکات و دستورات هدایتی آن بهره‌مند گردند. در ادامه، در درس هشتم «قابل فهم بودن قرآن» با تکیه بر دلایل عقلی و نقلی توضیح داده شده و از این‌رو، بر «انس با قرآن» به منظور فهم بهتر آیات و بهره‌مندی از هدایت آن تأکید شده است. سپس با تکیه بر جنبه هدایتگری قرآن، زبان هدایتگر آیات در قالب «بیان تمثیل‌ها» و «معرفی الگوهای هدایت» تبیین می‌شود. در پایان نیز «علم تفسیر قرآن» به عنوان علمی که آگاهی از همه این مطالب به عنوان مقدمه‌ای برای آن محسوب می‌گردد، معرفی شده و انواع آن (ترتیبی و موضوعی) برای دانش‌آموزان مطرح می‌گردد. این سیر در نمودار صفحه بعد نشان داده شده است :

معرفی قرآن کریم	دانش‌های مربوط به نزول	دانش‌های مربوط به فهم
<ul style="list-style-type: none"> ● معرفی نام‌ها و صفات قرآن از زبان قرآن ● معرفی قرآن از زبان اهل بیت (نهج البلاغه) 	<ul style="list-style-type: none"> ● نزول تدریجی و حکمت‌های آن ● معرفی اصطلاح اسباب النزول و تفاوت آن با شأن نزول ● معرفی سوره‌های مکی و مدنی ● کتابت سوره‌های نازل شده در مکه یا مدینه توسط کاتبان وحی ● نزول قرآن به زبان عربی به منظور فهم مخاطبان اولیه 	<ul style="list-style-type: none"> ● تبیین قابل فهم بودن قرآن، به منظور برخورداری از هدایت آن ● ضرورت انس با قرآن به منظور برخورداری از هدایت آن ● معرفی دو روش بیانی قرآن برای هدایت انسان‌ها

آگاهی از کلیه این علوم و دانش‌ها تحت عنوان «علوم قرآن»، به عنوان پیش‌نیاز «تفسیر قرآن»

صفات قرآن

درس ۱

الف) هدف درس

آشنایی با نام و تعدادی از مهم‌ترین صفات قرآن معرفی شده در آیات قرآن

ب) توضیحات درس و ارتباط آن با درس قبل

این درس، اولین درس از کتاب می‌باشد. اولین گام برای آشنایی با هر چیزی و هر کتابی این است که تصوّر نسبتاً صحیح و دقیقی از نام و ویژگی‌های آن چیز یا کتاب به دست آوریم. «قرآن» نیز از این قاعده مستثنا نیست و ممکن است این سؤال برای شما هم پیش آمده باشد که چرا آخرین کتاب آسمانی ما، خود را در آیاتش با نام «قرآن» معرفی می‌کند و مسلمانان نیز در طول قرن‌ها، آن را به همین نام شناخته‌اند. این آشنایی در تعامل با این کتاب آسمانی بیش از پیش به ما کمک می‌کند و جنبه‌های مختلف این کتاب را به ما می‌نمایاند.

از این رو، در این درس بر آن شدیم تا نام و برخی از مهم‌ترین صفات و ویژگی‌های این کتاب آسمانی را برای مخاطب تبیین کنیم و چه منبعی دقیق‌تر و مطمئن‌تر از خود آیات این کتاب آسمانی که به بهترین وجه خود را معرفی می‌کند؛ لذا صفات و ویژگی‌های قرآن را که در آیات گوناگون معرفی شده‌اند، بررسی نموده و برخی از مهم‌ترین و پرکاربردترین آن‌ها را در این جا آوردیم.

ج) تحلیل محتوای درس به همراه پاسخ به فعالیت‌های کلاسی

در این درس، ابتدا نام این کتاب آسمانی معرفی شده است و سپس چهار صفت از صفات قرآن برای دانش‌آموزان تبیین شده‌اند. بر این اساس، در این جا فقط یک نام اصلی برای این کتاب آسمانی معرفی شده و دیگر عناوین، صفات قرآن دانسته شده‌اند.

ذیل هر یک از این نام و صفات، ابتدا معنای لغوی واژه و سپس وجه تسمیه و نام‌گذاری قرآن به آن واژه و آیه‌ای که به آن اشاره می‌کند، آمده است، تا دانش‌آموزان فلسفه استفاده از این عنوان را برای قرآن

به‌خوبی درک کنند :

آیه	وجه تسمیه قرآن به آن	معنای لغوی	ریشه	عنوان	نام
مزمّل/ ۲۰	قرائت و انس با این کتاب از سایر کتب آسمانی بیشتر و ضروری‌تر است.	چیزی که باید خوانده شود	ق ر ء	قرآن	نام
ابراهیم/ ۱	مجموعه و قوانین هدایت بشر است	دستورالعمل نوشته شده	ک ت ب	کتاب	صفات
حجر/ ۹	سراسر یاد خدا و یادآور احکام الهی	یادآوری	ذ ک ر	ذکر	
فرقان/ ۱	جداکننده حق و باطل؛ صواب و خطا	جداکننده	ف ر ق	فرقان	
تغابن/ ۸	روشنی‌بخش مسیر به سوی سعادت	روشنی‌بخش	ن و ر	نور	

پاسخ فعالیت کلاسی، ص ۲۱ :

۱ برهان، مبین، هُدی، بُشری

۲ برهان به معنای حجت و استدلال است و این به دلیل آن است که سراسر قرآن، پر است از انواع حجت‌ها و استدلال‌ها برای راهنمایی انسان‌ها به سوی مسیر صحیح؛ مبین به معنای آشکار است و این به دلیل آن است که قرآن همواره مقصود خود را به صورت آشکار و شفاف مطرح می‌کند و مطالب آن، روشن‌نگر مسیر حقیقت است؛ هدی و بشری نیز به معنای هدایت و بشارت است و این به دلیل آن است که آیات قرآن، هدایت‌گر به سوی سعادت و بشارت دهنده مؤمنان به انواع پاداش‌های دنیوی و اخروی است.

قرآن در کلام امیر علیه السلام

درس ۲

(الف) هدف درس

آشنایی با برخی ویژگی‌های قرآن از زبان معصومین (با تأکید بر یکی از خطبه‌های کتاب شریف نهج البلاغه)

(ب) توضیحات درس و ارتباط آن با درس قبل

در درس قبل با برخی ویژگی‌های قرآن در قرآن آشنا شدیم؛ در این درس با پاره‌ای دیگر از ویژگی‌ها از زبان معصومان آشنا می‌شویم تا به این ترتیب با مراجعه به کلام این دو ثقل در معرفی قرآن، شناخت خوبی نسبت به این کتاب آسمانی حاصل آید.

(ج) تحلیل محتوای درس به همراه پاسخ به فعالیت‌های کلاسی

در طلوعه بحث، علت مراجعه به روایات در کنار آیات، برای شناخت بهتر قرآن مطرح شده است و این مطلب با استناد به حدیث ثقلین توضیح داده شده است. سپس بخشی از خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه در معرفی قرآن، ارائه شده است. در ادامه با استفاده از شرح نهج البلاغه آیت الله مکارم شیرازی، به تبیین محتوای خطبه می‌پردازیم:

عظمت و اهمیت قرآن کریم

در این بخش، امام اهمیت و عظمت قرآن را بیان می‌کند و چند وصف مهم برای آن بیان می‌دارد، می‌فرماید: «بدانید این قرآن، پنددهنده‌ای است که هرگز کسی را نمی‌فریبد و هدایتگری است که هیچ‌گاه گمراه نمی‌سازد و سخن‌گویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید هیچ‌کس در کنار این قرآن ننشسته جز این که از کنار آن باز یاده یا نقصانی برخاسته؛ زیادت‌ی در هدایت یا نقصانی از کوردلی و جهالت» در جمله‌های اول و دوم و سوم، مجموعاً اشاره به این حقیقت شده است که یک راهنمای خوب و هدایتگر، کسی است که نه دروغ بگوید، نه غش و خیانت کند و نه گرفتار گمراهی شود تا سبب انحراف دیگران گردد؛ ممکن است کسی راه و چاه را به خوبی بشناسد، اما به مخاطبان خود راست نگوید، یا آن‌ها را بفریبد و نیز ممکن است راست گو و دل‌سوز باشد، اما راه را پیدا نکند؛ در حالی که قرآن چنین نیست؛ وحی الهی است که از علم

بی‌بایان حق سرچشمه گرفته؛ نه دروغی در آن راه دارد و نه غش و خیانتی؛ چرا که گوینده این کتاب، خداوند است و خدا از همگان بی‌نیاز و بر همگان مشفق است.

به همین دلیل در ادامه این سخن، نتیجه‌ای مهم برای هدایت‌های قرآن ذکر کرده است: هم‌نشین‌های قرآن پیوسته در زیاده و نقصان‌اند: فزونی در هدایت و کاستی در گمراهی.

سپس امام با ذکر این چند جمله چنین نتیجه‌گیری می‌فرماید:

«حال که چنین است برای درمان بیماری‌های خود از قرآن شفا بطلبید و برای پیروزی بر شداید و مشکلات از آن یاری بجوید؛ چرا که در قرآن شفای سخت‌ترین بیماری‌ها؛ یعنی کفر و نفاق و جهل و ضلالت است.»

به این ترتیب، امام قرآن را وسیلهٔ حل مشکلات و درمان بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی و معنوی می‌شمرد و اصول این بیماری را در چهار چیز خلاصه می‌کند: کفر، نفاق، جهل و ضلال؛ زیرا قرآن، نور ایمان و اخلاص بر دل می‌باشد و پرده‌های جهل و نادانی را پاره می‌کند و انسان را از ضلالت و گمراهی‌هایی می‌بخشد. به یقین، جامعهٔ آگاه و دانا و صاحب ایمان و اخلاص، هرگز در نمی‌ماند و گرفتار مشکلی نمی‌شود.

البته این نکته روشن است که منظور، توسل و عشق و محبتی خالی از عمل نیست. آنچه مهم است و سبب درمان این بیماری‌های اخلاقی و اعتقادی می‌شود، آگاهی بر مضامین آیات و به کار بستن آن‌هاست؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم از همین طریق، عقب افتاده‌ترین جوامع بشری را به یک جامعه پیشرفته و نیرومند و سربلند مبدل ساخت.

و در ادامه این سخن، در یک نتیجه‌گیری دیگر می‌فرماید:

«حال که چنین است، آنچه را می‌خواهید به وسیله قرآن از خدا بخواهید و با محبت قرآن به سوی خدا روی آورید؛ زیرا بندگان به چیزی مانند آن به خدا تقرّب نجسته‌اند».

از این تعبیر به خوبی استفاده می‌شود که قرآن، بهترین وسیله نجات و مهم‌ترین سبب برای جلب عنايات الهی است.

قرآن شفاعت‌کننده روز جزا

این بخش از خطبه، همچنان درباره برکات و آثار قرآن سخن می‌گوید؛ با این تفاوت که در بخش پیشین، سخن از برکات معنوی و مادی قرآن در این دنیا بود و در این بخش، سخن از برکات آن در جهان آخرت است و به ویژه بر شفاعت قرآن، تأکید می‌کند و می‌فرماید: «بدانید قرآن، شفاعت‌کننده‌ای است که شفاعتش مورد قبول و گوینده‌ای است که سخنش مقبول است. هر کس که در روز قیامت قرآن برای او شفاعت کند مشمول شفاعت می‌شود و آن کس که قرآن در قیامت از وی شکایت کند گواهی‌اش بر ضد او پذیرفته خواهد شد».

به یقین، شفاعت قرآن با زبان حال با زبان قال دربارهٔ کسانی است که عامل به آن باشند و شکایت قرآن دربارهٔ کسانی است که آن را پشت سر افکنند و نسبت به آن بی اطلاع باشند.

قرآن کریم، معیار همه چیز

در پایان این سخن، امام به این حقیقت اشاره می فرماید حال که چنین است و قرآن انسان را از هرگونه گمراهی نجات می بخشد، باید قرآن در همه چیز، معیار و مقیاس اصلی باشد؛ می فرماید : «پروردگارتان را با قرآن بشناسید و خوشتن را با آن اندرز دهید».

قرآن، بهار دل ها و چشمه جوشان علوم

امام در این بخش از خطبه، بار دیگر به سراغ قرآن و بیان عظمت و آثار آن می رود تا آن چه را در بیانات قبل ذکر کرده است از این طریق تحکیم و تکمیل کند؛ در این جا به چند نکتهٔ تازه دربارهٔ قرآن می پردازد؛ نخست می فرماید : «خداوند سبحان، احدی را به چیزی مانند قرآن، پند و اندرز نداده است».

زیرا کتب آسمانی که از سوی خدا برای هدایت خلق نازل شده در برگیرندهٔ بهترین مواعظ الهی است. در میان این کتب، قرآن مجید آفتابی است درخشان و به راستی مواعظ قرآن بی نظیر و پند و اندرزهای آن بی مانند است. گاه مستقیماً با بندگان سخن می گوید؛ گاه به صورت سؤالی که پاسخش از درون وجدان بر می خیزد آن ها را اندرز می دهد؛ گاه تاریخ مملو از عبرت پیشینیان را بازگو می کند و زمانی با ذکر مثال های گویا و زیبا حقایق عقلی را لباس حسی می پوشاند و تمام این ها با فصیح ترین عبارت و بلیغ ترین تعبیرات بیان می شود؛ به همین دلیل مواعظی همچون مواعظ قرآن وجود ندارد.

سپس برای این مطلب چند دلیل ذکر می کند؛ می فرماید : «زیرا قرآن رشتهٔ محکم خدا و وسیلهٔ مطمئن اوست. در قرآن، بهار دل ها و چشمه های جوشان علم و دانش است و برای (زدودن زنگار غفلت و گناه از) قلب، صیقلی جز قرآن نیست».

امام در این پنج جمله، گفتنی ها را دربارهٔ قرآن فرموده است؛ نخست آن را ریسمان محکم الهی معرفی می کند که گویی از آسمان به زمین کشیده شده، تا بندگان به آن چنگ زنند و خود را به اوج آسمان ها برسانند و به مقام قرب او نزدیک شوند. این همان عروة الوثقی است که خداوند به آن اشاره کرده که هر کس به آن چنگ زند اهل نجات است :

«فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا».

به یقین، طریق ایمان به خدا و کفر به طاغوت، قرآن است.

و در جملهٔ دوم آن را «سبب امین» می شمرد؛ یعنی واسطه ای است در میان خلق و خالق که هیچ گونه خطا و اشتباه و خیانتی در آن راه ندارد و آن چه در آن است، حقّ خالص است.

در سومین جمله، آن را بهار دل‌ها می‌شمرد؛ همان‌گونه که در فصل بهار، پیکر مرده درختان جان می‌گیرد و شکوفه‌ها و برگ و گل بر شاخسار آن‌ها نمایان می‌شود و مرغان چمن با شور و نشاط، نغمه حیات سر می‌دهند، کسانی که در کنار قرآن قرار بگیرند، روح و جانی تازه پیدا می‌کنند و شکوفه‌ها و گل‌های ایمان و اخلاق و فضیلت بر شاخسار روحشان ظاهر می‌شود؛ نغمه‌های قرآنی قلب آن‌ها را نوازش می‌دهد و از عشق و محبت پروردگار سرشار می‌سازد.

در چهارمین جمله اشاره می‌کند به این که سرچشمه‌های علوم در قرآن است؛ نه تنها علوم که به معرفت خدا منتهی می‌شود و روح و تقوا و فضیلت را در انسان پرورش می‌دهد؛ بلکه قرآن انگیزه‌ای برای پرداختن به علوم است که پیرامون آفرینش انسان، خلقت آسمان و زمین و انواع موجودات و گیاهان سخن می‌گوید و اشارات پر معنایی در هر زمینه دارد.

در پنجمین جمله به این حقیقت اشاره می‌کند که برای زدودن زنگارهایی که بر اثر غفلت و گناه بر قلب انسان می‌نشیند و صفا و نورانیت را از آن می‌گیرد، بهترین وسیله، تلاوت قرآن و اندیشیدن در آن است و این که می‌فرماید: «تنها وسیله برای رسیدن به این هدف، قرآن است» اشاره به این است که وسایل دیگر در واقع از قرآن کمک می‌گیرند و خمیرمایه همه آن‌ها در قرآن است. مسلماً، کتابی که دارای این اوصاف پنج‌گانه است، بهترین موعظه الهی است.

پاسخ فعالیت کلاسی اول، ص ۳۱:

در آیه ۵۷ سوره یونس، از «موعظه بودن قرآن»، «شفاء بودن آن برای قلوب» و «موجب هدایت و رحمت بودن قرآن» سخن به میان آمده است که با جست‌وجو در متن می‌توان مشابهت‌ها را به ترتیب استخراج نمود: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعْطَ أَحَدًا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ»؛ «فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِّنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ»؛ «الْهَادِيَ الَّذِي لَا يَضِلُّ» نهج البلاغه/۲۵۴

البته مشابهت‌های غیرمستقیم نیز وجود دارد که دانش‌آموزان می‌توانند به آن اشاره کنند. آیه ۱۰۳ سوره آل عمران نیز به «چنگ زدن به حبل الهی» فرمان داده است، که این حبل الهی، در کلام مولا به قرآن تعبیر شده است:

«فَإِنَّهُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ»

پاسخ فعالیت کلاسی دوم، ص ۳۱

پاسخ این بخش، در بخش «تحلیل محتوا»، ضمن شرح ارائه شده بر خطبه ذکر شده است.

پاسخ فعالیت تحقیق کنید، ص ۳۱

این فعالیت می‌بایست با تحقیق از سوی دانش‌آموزان انجام شود، اما به جهت آشنایی بیشتر شما همکاران گرامی، بخشی از پاسخ در این جا ارائه می‌گردد :

در بخشی از خطبه ۱۱^۰ نهج البلاغه می‌خوانیم :

«تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ، وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ، وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ، وَاحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ»؛

قرآن را فرا گیرید که بهترین گفته‌هاست! و در آن بیندیشید که بهار قلب‌هاست! از نور آن، شفا و درمان بطلبید که شفای دل‌ها (ی بیمار) است! و آن را به نیکوترین وجه تلاوت کنید؛ زیرا نیکوترین سخن‌هاست.

یا در روایتی از پیامبر خدا ﷺ می‌خوانیم :

«مَثَلُ الْقُرْآنِ وَمَثَلُ النَّاسِ كَمَثَلِ الْأَرْضِ وَالْغَيْثِ؛ بَيْنَمَا الْأَرْضُ مَيْتَةً هَامِدَةً إِذْ أَرْسَلَ اللَّهُ عَلَيْهَا الْغَيْثَ فَاهْتَرَتْ، ثُمَّ يُرْسِلُ الْوَابِلَ فَتَهْتَزُّ وَتَرْبُو، ثُمَّ لَا يَرَالُ يُرْسِلُ الْأَوْدِيَةَ حَتَّى تَبْدُرَ وَتَنْبِتَ وَيَزْهوَ نَبَاتُهَا، وَيُخْرِجُ اللَّهُ مَا فِيهَا مِنْ زِينَتِهَا وَمَعَاشِ النَّاسِ وَالْبَهَائِمِ، وَكَذَلِكَ فَعَلَ هَذَا الْقُرْآنُ بِالنَّاسِ»؛

حکایت قرآن و مردم، حکایت زمین و باران است : در حالی که زمین، بی‌جان و خشکیده است، خداوند، باران را بر آن فرو می‌فرستد و زمین، جان می‌گیرد. سپس بارانی سیل‌آسا می‌فرستد و زمین، جانی تازه‌تر می‌گیرد و رویش، آغاز می‌شود. آن گاه، همواره، رودخانه‌ها را جاری می‌سازد تا آن‌که بذرهاى زمین می‌روید و گیاه بر می‌آورد و رستنی‌هایش به گل می‌نشینند، و خداوند، آن‌چه از زیورها و مایه‌های زندگی مردمان و جانوران را که در آن است، بیرون می‌آورد. این قرآن نیز با مردم، چنین کرده است.

روایات در این زمینه زیادند که به همین مقدار بسنده می‌شود. شما می‌توانید در این زمینه به کتاب «میزان الحکمة؛ باب القرآن» نیز مراجعه کنید.

نزول قرآن

درس ۳

الف) هدف درس

آشنایی با معنای نزول تدریجی قرآن و مهم‌ترین فوائد آن

ب) توضیحات درس و ارتباط آن با درس قبل

پس از آشنایی دانش‌آموزان با قرآن، وارد فصل جدیدی از محتوا می‌شویم و آن صحبت از نزول آیات قرآن می‌باشد. این درس و چهار درس پس از آن، به نحوی به موضوع نزول قرآن مربوط می‌شود.

ج) تحلیل محتوای درس به همراه پاسخ به فعالیت‌های کلاسی

این درس با طرح موضوع از نزول تدریجی قرآن در طول ۲۳ سال، مهم‌ترین حکمت‌ها و فوائد آن را توضیح می‌دهد:

- الف) دل‌گرم نمودن پیامبر مبتنی بر آیه ۳۲ سوره فرقان، تبیین بیان شده است.
- ب) تربیت تدریجی مخاطبان که دو فایده برای آن در درس بیان شده است:
- تنظیم آهسته و پیوسته زندگی به تدریج بر اساس دستورات قرآن
- افزایش تأثیرگذاری روی مخاطب و جلوگیری از ایجاد ابهامات در عمل به دستورات قرآن
- ج) آسان شدن ثبت و ضبط قرآن: شامل ثبت در سینه‌ها (به واسطه حفظ) و ثبت مکتوب (با کتابت) می‌شود.

■ نکته: با توجه به این که سخن از «نزول دفعی قرآن» در کنار «نزول تدریجی» می‌تواند سؤالات بسیاری را برای دانش‌آموزان مطرح کند، حتی المقدور از آن سخن به میان نیاورید. نزول تدریجی قرآن، مورد اجماع مفسران و دانشمندان علوم قرآنی است، اما نزول دفعی آن، موضوعی اختلافی است که بحث‌های بسیاری درباره آن وجود دارد. عده‌ای از دانشمندان معتقدند اگر نزول دفعی قرآن وجود داشت و گفتمان آن در عصر نزول مطرح بود، دیگر قرآن نباید با رد نزول دفعی در آیه ۳۲ سوره فرقان، فلسفه نزول

تدریجی را دل گرمی پیامبر مطرح کند یا بر اساس روایاتی که داستان انتظار پیامبر برای دریافت وحی برای پاسخ به سؤالی خاص یا رفع مشکلی خاص را بیان می کند، نمی توان به صورت قطعی از تحقق نزول دفعی سخن گفت. این در حالی است که عده ای دیگر از دانشمندان به نزول دفعی معتقدند. برای آن که ذهن دانش آموزان درگیر سؤالات بیشتر نشود، بهتر است از ورود به این مباحث اجتناب کنیم.

پاسخ فعالیت کلاسی ص ۴۱ :

آیه ۳۴ سوره انعام به موضوع دل گرم ساختن پیامبران؛ آیه ۱ سوره ابراهیم، به موضوع تربیت انسان ها به وسیله آیات کتاب آسمانی و آیه ۱۲۰ سوره هود تقریباً به هر دو مورد اشاره می کند :

«نُتِبَتْ بِهِ فُؤَادَكَ» به دل گرمی پیامبر و «جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» به تربیت و تذکر انسان ها از قرآن اشاره می کند.

اسباب النزول

درس ۴

الف) هدف درس

آشنایی با معنای اصطلاحی «سبب نزول» و تفاوت آن با «شأن نزول»
آشنایی با تأثیر شناخت سبب نزول در تفسیر آیه

ب) توضیحات درس و ارتباط آن با درس قبل

پس از آن که در درس قبل، از موضوع «نزول تدریجی قرآن» سخن به میان آمد، در این درس، این موضوع محور بحث قرار می‌گیرد که آیات نازل شده قرآن، بر اساس سبب نزول یا شأن نزول خاصی نازل شده‌اند که مفسر در تفسیر آیه به آن بایستی توجه داشته باشد. برخی آیات سبب نزول دارند، در حالی که همه آیات از شأن نزول برخوردارند.

ج) تحلیل محتوای درس به همراه پاسخ به فعالیت‌های کلاسی

در طلعهٔ درس، پس از طرح بحثی اجمالی پیرامون اهمیت موضوع «سبب نزول» - از جهت میزان توجه مفسران و دانشمندان علوم قرآنی به آن - اصطلاح «سبب نزول» تعریف می‌شود.

در این تعریف، دو چیز، سبب نزول آیه معرفی می‌شود:

۱. رویدادی که اتفاق افتاده

۲. پرسشی که مطرح شده

و برای هر یک دو مثال ارائه می‌گردد.

سپس تأکید می‌شود که همهٔ آیات قرآن، به موجب دو اتفاق بالا نازل نشده‌اند؛ لذا همهٔ آیات قرآن سبب نزول ندارند و این نکته از این جهت مورد تأکید قرار می‌گیرد، تا از موضوعی تحت عنوان «شأن نزول» سخن به میان آید؛ به این معنا که اگر همهٔ آیات، سبب نزول ندارند، اما از شأن نزول برخوردارند. در ادامه اصطلاح شأن نزول تعریف شده و تفاوت آن با سبب نزول مشخص می‌شود.

سپس با علامت «سه ستاره» روبه‌رو هستیم و این نشان می‌دهد که موضوع جدیدی در ادامه خواهد آمد و آن تأثیر آگاهی از «سبب نزول» در تفسیر آیه است که در قالب یک مثال (آیه ۱۵۸ سوره بقره)، این تأثیر توضیح داده می‌شود.

پاسخ «تحقیق کنید»، ص ۵۱ :

آیه	سبب یا شأن نزول
کهف/۸۴-۸۳	سبب نزول آیه، سؤالی بود که از حضرت درباره ذوالقرنین پرسیده بودند.
اسراء/۲۴-۲۳	شأن نزول آیه، سفارش و تأکید به احترام و احسان نسبت به پدر و مادر
حجرات/۱۰	برخی مفسران برای آن سبب نزول مطرح کردند، اما اختلافی است (ر.ک : تفسیر نمونه، ذیل آیه)، اما شأن نزول آیه، اخبار و انشاء برادری و اخوت میان مؤمنان به واسطه ایمانشان است.
آل عمران/۶۱	سبب نزول آیه، مراجعه برخی عالمان مسیحی به پیامبر با هدف اثبات حقانیت خویش بود که کار به مباحله کشیده شده و خدا در این آیه به آن دستور می‌دهد. این آیه به آیه مباحله معروف است.

مکی و مدنی

درس ۵

الف) هدف درس

- ۱ آشنایی با انواع آیات و سوره‌های قرآن از جهت مکان نزول قرآن (مکی و مدنی) و ملاک‌های تشخیص آن
- ۲ آشنایی با تأثیر شناخت «آیات و سوره‌های مکی و مدنی» در فهم و تفسیر قرآن

ب) توضیحات درس و ارتباط آن با درس قبل

در درس سوم و چهارم از نزول تدریجی قرآن و اسباب نزول سخن به میان آمد. در این درس موضوع دیگری ذیل عنوان کلی «نزول قرآن» محور بحث قرار گرفته و آن بررسی آیات و سوره‌های قرآن از حیث مکان نزول آن‌هاست که از این جهت، آیات و سوره‌های قرآن به «مکی» و «مدنی» تقسیم می‌شوند.

ج) تحلیل محتوای درس به همراه پاسخ به فعالیت‌های کلاسی

در ابتدا، آیات و سوره‌های مکی و مدنی تعریف شده‌اند، تا تصویر روشنی از آن‌ها در ذهن ایجاد شود. این تعریف از میان تعاریف گوناگون انتخاب شده است و مشهورترین تعریف می‌باشد، لطفاً جهت جلوگیری از شست در ذهن دانش‌آموزان، تعاریف و نظرات دیگر علما را در کلاس بیان نکنید.

بلافاصله پس از تعریف، ملاک و معیار تشخیص آیات و سوره‌های مکی از مدنی ارائه شده‌اند. از میان ملاک‌های ارائه شده در این خصوص، در کتاب‌های علوم قرآنی، تنها این دو ملاک، ملاک تقریباً قطعی برای تشخیص آیات و سوره‌های مکی و مدنی است و سایر ملاک‌ها، ملاک‌های تقریبی بوده که نیازی به طرح بحث از آن در کلاس نیست.

سپس اهمیت آگاهی از آیات و سوره‌های مکی و مدنی و فوائد آن مورد بحث قرار می‌گیرد و سه فایده مهم برای آن شمرده می‌شود:

۱ شناخت مراحل دعوت پیامبر:

با اطلاع از این که یک سوره در مکه نازل شده و یک سوره سال‌ها بعد در مدینه، می‌توان سبک‌های

دعوت پیامبر خدا ﷺ را در دو سوره مقایسه و مراحل دعوت پیامبر از دعوت پنهانی تا آشکار و سپس دعوت از طریق جنگ و جهاد و نیز کیفیت و ویژگی‌های هر یک را بهتر شناخت.

۲ شناخت خصوصیات روحی و اجتماعی مردم :

با بررسی آیات و سوره‌های مکی و مدنی، درمی‌یابیم که قرآن خود بیان برخی احکام را برای آمادگی روحی و اجتماعی مردم، تا دوران مدینه و تشکیل حکومت اسلامی به تأخیر انداخته است، یا با بررسی آیات مکی و نوع مواجهه و انواع استدلال‌هایی که در مقابل کفار ارائه می‌شود، می‌توان به اطلاعاتی از افکار، خصوصیات و ویژگی‌های مردم مخاطب قرآن در مکه دست پیدا کرد.

۳ تأثیر در فهم و تفسیر آیات :

از طریق بیان یک مثال، به صورت مفصل توضیح داده شده است.

نکته : چنان که در درس نیز مشهود است، همواره از عبارت «آیات و سوره‌های مکی و مدنی» استفاده شده است و هیچ‌گاه از آیات مکی و مدنی صحبت نکردیم، به این معنا که برخی از آیات یک سوره در مکه و برخی آیات دیگر سوره در مدینه نازل شده باشد و این به دلیل آن است که این موضوع میان دانشمندان علوم قرآنی اختلافی است و همگان آن را قبول ندارند و هر یک استدلال مخصوص به خود دارد که پرداختن به آن برای دانش‌آموزان سنگین است؛ لذا شما نیز نیاز نیست به آن بپردازید.

پاسخ فعالیت کلاسی، ص ۶۰ :

مائدة/۶۷؛ مدنی شعرا/۲۱۴؛ مکی علق/۱؛ مکی

پاسخ تحقیق کنید، ص ۶۱ :

با بررسی آیات و سوره‌های مکی و مدنی می‌توان دریافت که در بیشتر موارد، در آیات مکی، بحث دربارهٔ اصول معارف (توحید، معاد و نبوت) و اصل ایمان و دعوت به اسلام از ویژگی‌های سوره‌های مکی است و در سوره‌های مدنی بیشتر از تفصیل احکام اسلام، موضوع جهاد، ادارهٔ جامعه و الگوهای اخلاقی سخن گفته شده است.

کتابت قرآن

درس ۶

الف) هدف درس

آشنایی با اهتمام پیامبر اسلام ﷺ در حفظ و کتابت آیات قرآن کریم
آشنایی اجمالی با کیفیت کتابت آیات قرآن توسط کاتبان وحی

ب) توضیحات درس و ارتباط آن با درس قبل

این درس در ادامهٔ مباحث مربوط به «نزول قرآن» به موضوع «کتابت آیات» می‌پردازد. آیات و سوره‌هایی که در مکه یا مدینه نازل می‌شد، با اهتمام ویژهٔ پیامبر توسط کاتبان وحی به دقت ثبت و ضبط می‌شد. کیفیت این کتابت به صورت اجمالی در این درس توضیح داده شده است.

ج) تحلیل محتوای درس به همراه پاسخ به فعالیت‌های کلاسی

در ابتدای این بخش، جهت زمینه‌سازی برای ورود به بحث، از یکی از صفات قرآن (کتاب) سخن به میان آمده و معنای آن برای دانش‌آموزان یادآوری می‌گردد. مکتوب شدن آیات قرآن – که محور اصلی این درس است – موجب گردیده، تا قرآن با صفت «کتاب» نیز در خود قرآن مشهور گردد.

این درس به صورت اجمالی، اهتمام پیامبر در ثبت و ضبط آیات و مراقبت ایشان در کتابت آن از سوی کاتبان وحی را توضیح می‌دهد و ضمن آن روی این نکات تأکید می‌نماید:

- تشکیل گروهی از سوی پیامبر اسلام با عنوان «کاتبان وحی»
- امام علی علیه السلام به عنوان اولین کاتب وحی
- بررسی و اصلاح کار کاتبان وحی از سوی پیامبر با گوش دادن ایشان به آیات مکتوب شده

بحث «کتابت قرآن» در این درس به صورت اجمالی مطرح گردیده که دانش‌آموزان ان‌شاءالله در پایهٔ یازدهم در قالب درسی مستقل، به صورت تفصیلی این موضوع را مطالعه می‌نمایند.

پاسخ فعالیت کلاسی، ص ۷۱:

در این روایت می‌خوانیم که علم و دانش به وسیلهٔ نوشتن، محفوظ می‌شود و از تغییر و نابودی در امان می‌ماند. زمانی که یک مطلب از حافظهٔ شخص روی کاغذ مکتوب می‌شود، دیگر ترسی برای فراموشی آن نیست و به راحتی می‌توان آن را به نسل‌های بعد منتقل نمود.

قرآن نیز هنگامی که از سینه حافظان قرآن روی کاغذ یا پوست و امثال آن مکتوب گردید، دیگر ترسی برای تغییر و تبدیل در آن وجود ندارد و از نابودی محفوظ می‌گردد.

زبان قرآن

درس ۷

الف) هدف درس

آشنایی با فلسفه نزول قرآن به زبان عربی
درک جهان شمول بودن آیات قرآن، با وجود نزول به زبانی خاص (زبان عربی)

ب) توضیحات درس و ارتباط آن با درس قبل

این درس در ادامه مباحث مربوط به «نزول قرآن» به موضوع «زبان نزول قرآن» می‌پردازد. قرآن به زبان عربی نازل شد و به همین زبان نیز مکتوب و ثبت گردید. در این درس فلسفه نزول قرآن به زبان عربی تبیین شده است و البته تأکید شده که با وجود نزول به زبان عربی در منطقه شبه جزیره عربستان، تعالیم آن جهان شمول بوده و برای همه مکان‌ها و زمان‌ها است.

ج) تحلیل محتوای درس به همراه پاسخ به فعالیت‌های کلاسی

درس با سؤال اصلی خود، یعنی فلسفه نزول به زبان عربی آغاز شده و بلافاصله پاسخ آن ذکر گردیده است. در این پاسخ، روی اصلی تأکید شده و آن، ضرورت درک قرآن از سوی مخاطبان اولیه آن است که در ادامه (پس از آیه ۴۴ سورة فصلت)، دلیل این مطلب نیز ذکر شده است: تا مخاطبان اولیه آن، آیاتش را نفهمند امکان صدور به سایر نقاط و تبلیغ آن فراهم نمی‌شود.

سپس شبهه‌ای در این باره مطرح و پاسخ داده می‌شود: آیا با نزول قرآن به زبان عربی در شبه جزیره عربستان، تعالیم آن محدود به نژاد و گروه خاصی می‌شود؟

در نفی این تفکر دو دلیل ذکر می‌شود:

■ دلیل نقلی از خود قرآن که مخاطب خود را همه انسان‌ها معرفی می‌کند: «لَا نُذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَّغَ» (انعام/۱۹) و نیز اشاره به روایتی از امام رضا علیه السلام در این خصوص؛

■ دلیل عقلی بر اساس مطالعه تعالیم قرآن که این تعالیم مبتنی بر فطرت ثابت انسانی در همه مکان‌ها و زمان‌ها است و محدود به قوم و زبان خاصی نمی‌گردد و هر انسان آزاده‌ای در سراسر جهان به ندای فطرت خود به سوی آن کشش دارد. رواج قرآن در میان جوامع امروزی، شاهد گویای این مسئله است.

پاسخ فعالیت کلاسی، ص ۸۱ :

پرسش اوّل : در این پرسش، دانش‌آموزان می‌بایست روی موضوع فکر کنند و هر پاسخی که عقلاً صحیح بود می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد. اما برای آشنایی بیشتر شما همکاران گرامی، می‌توان به این دو مورد نیز اشاره نمود :

ب) پیامبر هم‌زبان، اقتضائات روحی و نیازهای قوم را بهتر می‌داند و بهتر می‌تواند آن‌ها را متناسب با این اقتضائات هدایت کند و روی آن‌ها اثرگذار باشد.

ج) تحدی تنها به زبان خود مخاطبان امکان دارد.

پرسش دوم : این آیه به اصلی مهم اشاره می‌کند و آن هم‌زبانی یک پیامبر با قوم خود است تا بدین ترتیب، تبیین احکام الهی برای مخاطبان بهتر و دقیق‌تر صورت پذیرد. همین مسئله در درس، به عنوان فلسفه اصلی نزول قرآن به زبان عربی مطرح شده است.

قابل فهم بودن قرآن

درس ۸

الف) هدف درس

آشنایی با ادله قابل فهم بودن آیات قرآن؛ به عنوان مقدمه‌ای برای تفسیر

ب) توضیحات درس و ارتباط آن با درس قبل

در این درس، پس از مطالعه پنج درس در حوزه علوم مرتبط با «نزول قرآن»، به موضوع «قابل فهم بودن قرآن» پرداخته می‌شود، تا بر این اساس، زمینه صحبت از ضرورت تفسیر قرآن فراهم گردد. البته این درس پس از درس «نزول قرآن به زبان عربی» قرار گرفته است؛ چرا که در آنجا فلسفه نزول قرآن به زبان عربی، فهم تعلیم آن از سوی مخاطبان عرب زبان مطرح شده بود. در این درس، این نکته مورد توجه قرار می‌گیرد که قرآن برای این مخاطبان قابل فهم نیز بود که با نزول به زبان آن‌ها، معنای آن را می‌توانستند متوجه شوند و از هدایت آن بهره‌مند گردند.

ج) تحلیل محتوای درس به همراه پاسخ به فعالیت‌های کلاسی

«قابل فهم بودن قرآن»، یکی از موضوعات مطرح شده در کلیه کتاب‌های علوم قرآنی است که اثبات آن، زمینه طرح بحث از «تفسیر قرآن» را فراهم می‌آورد. تا قرآن برای انسان قابل فهم نباشد، تفسیر آن هم بی‌معناست.

قابل فهم بودن قرآن، میان دانشمندان علوم قرآنی، بحثی اختلافی است. برخی دانشمندان فهم قرآن را مخصوص معصومان می‌دانند که دیگر انسان‌ها راهی به سوی آن ندارند، بر این اساس، با تفسیر قرآن مخالف هستند و برای فهم آیات قرآن، تنها به روایات تفسیری معصومان مراجعه می‌کنند. در مقابل این تفکر، برخی دیگر از دانشمندان، قرآن را با بیان دلایل مختلف برای بشر قابل فهم می‌دانند که در این جا به سه دلیل مهم آن مبتنی بر آیات قرآن، اشاره می‌شود.

دلیل اول (هماوردطلبی قرآن)، فهم قرآن را ممکن و دلیل دوم و سوم فهم قرآن را نه تنها ممکن، بلکه ضروری می‌شمارد.

تدبر و بهره‌مندی از هدایت قرآن، از طریق انس با آن امکان‌پذیر می‌شود که بر این اساس «انس با قرآن» موضوع درس بعدی قرار می‌گیرد.

پاسخ فعالیت کلاسی، ص ۹۱ :

آیه ۱۳ سوره هود، از طریق اشاره به هماوردطلبی قرآن، آیه ۴۴ سوره نحل، از طریق دعوت به تفکر روی آیات و آیه ۹ سوره اسراء، از طریق اشاره به جنبه هدایتگری و بشارت‌بخش بودن قرآن، آن را قابل فهم برای بشر می‌دانند.

انس با قرآن کریم

درس ۹

الف) هدف درس

آشنایی با مراحل انس با قرآن کریم
درک ضرورت و فایده‌های انس با قرآن

ب) توضیحات درس و ارتباط آن با درس قبل

چنان‌که در درس قبل توضیح داده شد، تدبّر و بهره‌مندی از هدایت قرآن (از ادله قابل فهم بودن قرآن)، در بستر انس با قرآن امکان‌پذیر می‌شود که بر این اساس «انس با قرآن» موضوع این درس قرار گرفته و مراحل و ضرورت آن تبیین شده است.

ج) تحلیل محتوای درس به همراه پاسخ به فعالیت‌های کلاسی

در طلعه بحث، روایتی جهت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان در جهت ارتباط و انس با قرآن مطرح شده است و در آن به اهمیت انس با قرآن در دوره جوانی اشاره شده است.

سپس مراحل این انس برای دانش‌آموزان تبیین می‌شود:

اولین مرحله: قرائت مستمر در حد امکان (ما تيسر)؛ که خود به موجب روایت پیامبر، غفلت‌ها را می‌زداید.

دومین مرحله: تدبّر و تفکر روی آیات؛ در این بخش، دو نکته مورد توجه قرار گرفته است:

■ ابتدا با اشاره به عظمت و عمق کلام الهی، ضرورت تفکر در آن برای دریافت معانی حکیمانه آن را مطرح می‌سازد؛

■ سپس با اشاره به محتوای عمیقی که در آن وجود دارد، فایده این تدبّر و تفکر را در پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی انسان و راه‌یابی او به سوی سعادت روشن می‌سازد.

نحل/۴۴ : وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (تفکر در آیات)
 ص/۲۹ : كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ (تدبیر در آیات و
 متذکر شدن از آن)

زبان هدایتی قرآن (۱)

درس ۱۰

الف) هدف درس

آشنایی با زبان تمثیل در قرآن و فوائد آن
آشنایی با برخی تمثیل های قرآنی

ب) توضیحات درس و ارتباط آن با درس قبل

در درس قبل، از ضرورت انس با قرآن به جهت بهره‌مندی از هدایت قرآن سخن به میان آمد. انسان از طریق انس با قرآن و تدبیر در آیات آن با محتوای عمیق معرفتی روبه‌رو می‌شود که هر یک، جنبه‌ای از زبان هدایتگری قرآن را به نمایش می‌گذارد. مطالعه دربارهٔ زبان هدایتگری قرآن، یکی از دغدغه‌های مفسران و دانشمندان علوم قرآنی است و برخی از ایشان، ضمن مبحث «زبان قرآن»، به بحث از روش‌های زبان قرآن در ارائهٔ مواظ و دستورات خود پرداخته‌اند: روش‌هایی چون قصه‌گویی، کاربرد تمثیل و استعاره، الگوسازی و

این درس و درس بعدی به معرفی دو روش از آن‌ها می‌پردازد.

ج) تحلیل محتوای درس به همراه پاسخ به فعالیت‌های کلاسی

این درس، به تبیین موضوع «تمثیل» در قرآن به عنوان یکی از روش‌های زبان قرآن در ارائهٔ مواظ هدایتگر خود می‌پردازد.

ابتدا اصطلاح «تمثیل» تعریف شده و جایگاه آن در ذیل مباحث علوم قرآنی تعیین می‌گردد (ر.ک: بخش توضیحات این درس).

سپس دو فایده از فوائد تمثیل مطرح می‌گردد. اولی از جهت تأثیری که در روشن شدن منظور سخن دارد و دومی از جهت تأثیری که در مخاطب و پذیرش مطلب از سوی او به جای می‌گذارد.

در ادامه مبتنی بر این دو فایده از کاربرد آن در حدیث و سپس قرآن سخن به میان آمده و نمونه‌ای از هر یک بیان می‌شود.

پاسخ فعالیت کلاسی، ص ۱۱۱:

در این آیه، خدا حال و وضعیت انسان‌ها در محشر را توصیف می‌کند و تأکید می‌کند که در آن روز، انسان نمی‌تواند به تعلقات مادی خویش، از جمله شغل و مدرک تحصیلی، خانوادهٔ اصیل و... افتخار کند و بر اساس آن خود را لایق بهشت بداند؛ هیچ‌یک از این‌ها جزء حقیقت انسان نیست و تعلقاتی است که انسان با زندگی در دنیا گرفتار آن شده است؛ روز قیامت خود انسان است در مقابل پروردگار یکتا

خدا برای درک بهتر این موضوع، یک مثال می‌زند و آن این که روز اول که آفریده شده بودید، هیچ‌یک از این تعلقات با شما نبود و شما مانند روز تولد (کما خلقناکم اول مرة) بدون هر گونه پیوند با این تعلقات در مقابل خدا حاضر خواهید شد.

انسان هنگامی که نوزادی را در نظر می‌گیرد که هیچ‌گونه تعلقات دنیایی در ابتدا ندارد، معنای حضور بدون تعلقات در پیشگاه الهی را به خوبی درک می‌کند.

پاسخ تحقیق کنید، ص ۱۱۱:

آیه ۵ سورة جمعه: خدا در این آیه، یهودیانی را که تورات به آن‌ها تعلیم داده شد، اما آن‌ها کرده و به تعالیمش عمل نکردند را به خری تشبیه نموده که کتاب‌هایی بر آن بار شده، و خود آن حیوان هیچ آگاهی از معارف و حقایق آن کتاب‌ها ندارد و در نتیجه از حمل آن کتاب‌ها جز خستگی برایش نمی‌ماند. وجه تمثیل در این جا عدم بهره‌مندی از فوائد این تعالیم است که فقط این اطلاعات را با خود جابه‌جا می‌کنند و بهره‌ای از آن ندارند؛ مانند یک خر که فقط بار خود را جابه‌جا می‌کند و از آن بهره‌مند نمی‌گردد.

آیه ۲۶۱ سورة بقره: در این آیه خداوند از ارزش انفاق و پاداش آن سخن می‌گوید و برای آن مثالی می‌زند. قرآن از مخاطب می‌خواهد، یک دانه را در نظر بگیرد که آن را با کاشتن در زمین از دست می‌دهد، اما در مقابل آن اگر از آن دانه مراقبت کند و آن را تباه نسازد، از آن دانه هفت خوشه می‌روید که در هر خوشه، یکصد دانه از همان را برداشت می‌کند (به تعبیر دیگر، سرمایهٔ اولیه‌اش هفتصد برابر می‌شود). قضیهٔ انفاق در راه خدا نیز همین‌گونه است، چیزی را در راه خدا می‌دهد و در مقابل، چندین برابر آن را دریافت می‌کند. وجه تمثیل در این جا مضاعف و چند برابر شدن انفاق در راه خداست، مانند دانه‌ای که با کاشتن در زمین، چند برابر می‌شود.

زبان هدایتی قرآن (۲)

درس ۱۱

الف) هدف درس

آشنایی با «الگوسازی» به عنوان یکی از روش‌های تربیتی قرآن و فوائد آن
آشنایی با برخی الگوهای معرفی شده در قرآن

ب) توضیحات درس و ارتباط آن با درس قبل

ارتباط این درس با دروس قبل، در درس قبل ذیل همین قسمت تبیین گردید.

ج) تحلیل محتوای درس به همراه پاسخ به فعالیت‌های کلاسی

این درس، به تبیین «الگوسازی» در قرآن به عنوان یکی از روش‌های زبان قرآن در ارائه مواعظ هدایتگر خود می‌پردازد.

در ابتدا از اهمیت و فایده معرفی الگو و الگوسازی در تعلیم و تربیت سخن به میان می‌آید که به خاطر همین فوائد، قرآن نیز از آن استفاده نموده است.

قرآن کریم به دو شکل، به معرفی الگوهای گوناگون می‌پردازد که در ادامه درس توضیح داده شده است :

۱) معرفی الگوهای مثبت

■ با استفاده از کلمه «الگو» – اسوة – درباره برخی پیامبران که این واژه به طور خاص تنها برای دو تن از پیامبران استفاده شده است : حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و پیامبر گرامی اسلام ﷺ

در فعالیت کلاسی ص ۱۱۹ به جلوه‌های مختلفی از رفتار الگویی این دو پیامبر اشاره شده است.

■ بیان داستان زندگی سایر انبیا و اولیای الهی که سرشار از نکات تربیتی و قابل الگو برداری است.

در این بخش، دو الگوی قرآنی (حضرت زکریا و حضرت آسیه) معرفی شده و برخی جنبه‌های الگویی از زندگی ایشان مبتنی بر آیات قرآن تبیین شده است.

۲ معرفی الگوهای منفی

معرفی شخصیت‌های منفی و سرنوشت شومشان، نوعی تنفر و دلزدگی در فرد نسبت به ایشان ایجاد نموده و فرد را از کارهایی که موجب این سرنوشت شده است، دور می‌کند. استفاده از عنوان «الگو» برای این شخصیت‌ها، با توجه به معنای لغوی «الگو» شاید استفاده دقیقی نباشد، اما از جهت تأثیری که این شخصیت‌ها در زدودن رفتار بد از مخاطبان می‌توانند داشته باشند، «الگوی منفی» نامیده شده‌اند.

پاسخ فعالیت کلاسی، ص ۱۱۹ :

آیه	رفتار الگویی حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> یا رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
هود/۷۵	بردباری، دلسوزی و رجوع به درگاه الهی در امور مختلف درباره حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>
نحل/۱۲۰	مطیع همیشگی امر خدا و دور از هر گونه انحراف در مسیر مستقیم درباره حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>
فتح/۲۹	سرسخت در مقابل کافران و مهربان در میان خود، پیوسته در عبادت (اثر آن نمایان در صورت)، درباره رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و یاران خاص ایشان
قلم/۴	اخلاق عظیم و برجسته، درباره رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
توبه/۱۲۸	دلسوز بودن، حریص در تبلیغ دین، رتوف و مهربان با مؤمنان، درباره رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>

پاسخ فعالیت کلاسی، ص ۱۲۱ :

آیات	نام پیامبر	رفتارهای الگویی ایشان
مریم/۵۵-۵۴	حضرت اسماعیل <small>علیه السلام</small>	صادق الوعد (درست قول)، امر همیشگی خانواده به نماز و زکات
انبیاء/۸۸-۸۷	حضرت یونس <small>علیه السلام</small>	بازگشت به سوی پروردگار با استفاده از ذکر خاص (که الان به ذکر یونسیه مشهور است)

تفسیر قرآن

درس ۱۲

الف) هدف درس

آشنایی با معنای لغوی و اصطلاحی «تفسیر قرآن»
 آشنایی با شرایط مفسر برای تفسیر قرآن
 آشنایی با انواع تفسیر قرآن (ترتیبی و موضوعی)

ب) توضیحات درس و ارتباط آن با درس قبل

این درس، پایان بخش مطالب علوم قرآنی کتاب دهم است و «تفسیر قرآن» نام گرفته است، به این معنا که آگاهی از کلیه مباحث علوم قرآنی – چه آن چه در این کتاب خواندیم یا نخواندیم – همه و همه پیش نیاز کار بزرگی است که تفسیر قرآن نام دارد. یک مفسر با آگاهی از این علوم و دانش ها به تفسیر قرآن می پردازد.

ج) تحلیل محتوای درس به همراه پاسخ به فعالیت های کلاسی

در ابتدا معنای لغوی «تفسیر» و معنای اصطلاحی «تفسیر قرآن» بیان می شود. سپس معنای اصطلاحی بیان شده با تفصیل بیشتری توضیح داده می شود. این تعریف، دو بخش دارد که هر یک به صورت جداگانه توضیح داده شده است :

در بخش اول، ذیل بحث از «مراد و مقصود آیات قرآن»، دو نکته مورد توجه قرار گرفته است :
 ■ منظور از «مراد و مقصود آیات»؛ در این جا ممکن است این سؤال برای خواننده به وجود آید که در «ترجمه» نیز مراد و مقصود آیات بیان می شود که در ادامه تفاوت میان «ترجمه» و «تفسیر» بیان می شود و فهم مقصود آیات در تفسیر با بیان یک مثال توضیح داده می شود.
 ■ اقدامات مفسر برای کشف مراد و مقصود آیات؛ این مطلب مقدمه ای برای بیان بخش بعدی می باشد که شرایط یک مفسر برای تفسیر قرآن است.

در بخش دوم نیز ذیل بحث از «توان مفسر»، از شرایط و پیش نیازهای لازم در مفسر برای تفسیر قرآن سخن به میان می آید و تعداد بسیار تفاسیر در طول قرن ها را به دلیل تفاوت مفسران در فراهم ساختن این پیش نیازها در خود می داند :

■ طهارت باطنی مفسر ■ کسب علوم مورد نیاز

در ادامه با علامت سه ستاره «***» روبه رو می‌شویم به این معنا که وارد مطلب جدیدی درباره «تفسیر قرآن» خواهیم شد و آن سخن از دو نوع رایج تفسیر است. در این بخش هر یک از این دو نوع تفسیر، تعریف شده و نمونه‌ای از هر یک در میان مفسران شیعه و نیز اهل سنت معرفی شده است.

پاسخ فعالیت کلاسی، ص ۱۳۲:

این فعالیت با بحث و گفت‌وگو میان دانش‌آموزان می‌بایست انجام شود و ایشان به نتیجه برسند؛ اما جهت آشنایی بیشتر شما همکاران گرامی، این نکات بیان می‌گردد:

برخی فواید تفسیر ترتیبی:

- ۱ اطلاع از سیر کلی مباحث سوره و غرض اصلی از نزول این سوره؛ چرا که با تفسیر ترتیبی انسجام میان مباحث یک سوره مشخص می‌گردد؛
- ۲ تسلط کامل بر مباحث و محتوای مطرح شده در آیات گوناگون در کل سوره‌ها (که خود، مقدمه تفسیر موضوعی به شمار می‌آید)؛
- ۳ فهم دقیق‌تر معنای آیه با توجه به زمینه‌ها و قرائتی که ممکن است در چند آیه قبل مطرح شده باشند (در حالی که در تفسیر موضوعی گاه این قرائن نادیده گرفته می‌شوند).

برخی فواید تفسیر موضوعی:

- ۱ بررسی جامع یک موضوع (ابعاد مختلف یک موضوع در آیات گوناگون) که به نتیجه‌گیری از موضوع بسیار کمک می‌کند؛
- ۲ پاسخ‌گویی به نیازها و پرسش‌های جدید بشر با استفاده از آیات قرآن؛
- ۳ رفع ابهام‌هایی که در بدو نظر در برخی آیات به چشم می‌خورد با مراجعه به آیات هم موضوع و مشابه.

پاسخ تحقیق کنید، ص ۱۳۳:

نام تفسیر	نوع تفسیر
پیام قرآن	تفسیر موضوعی
جامع البیان فی تفسیر القرآن	تفسیر ترتیبی
التبیان فی تفسیر القرآن	تفسیر ترتیبی
منشور جاوید قرآن	تفسیر موضوعی

